



پیام های پژوهشی مبتنی بر شواهد

دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

معاونت تحقیقات و فناوری

نیمسال اول 1405

1-عنوان طرح تحقیقاتی: تأثیر مراقبت مبتنی بر مدل توانمندسازی خانوادهمحور بر استرس درک شده و خودکارآمدی والدین دارای کودک تحت شیمی درمانی مراجعه کننده به بیمارستان آیت الله کاشانی شهرکرد در سال های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴

شماره طرح 7457

تاریخ خاتمه طرح: 1405

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

مجری اصلی :

دکتر بیتا صادقی (مجری اصلی) -دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد ، ایران

همکاران:

خدیجه رئیسی وانانی ، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد ، ایران.

دکتر شهریار صالحی ، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد ، ایران.

دکتر هادی رئیسی: دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد ، ایران.

دکتر کیاوش فکری: دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد ، ایران.

عنوان پیام پژوهشی:

آموزش خانوادهمحور؛ راهکاری مؤثر برای کاهش چشمگیر استرس و افزایش اعتمادبه نفس والدین کودکان مبتلا به سرطان

پیام کلیدی:

مراقبت از کودک تحت شیمی درمانی فشار روانی زیادی به همراه دارد. این مطالعه نشان داد که آموزش های توانمندسازی خانوادهمحور باعث شد والدین به شکل ملموسی استرس و نگرانی کمتری را تجربه کنند و توانایی و اعتمادبه نفس آنان در مراقبت از فرزند بیمار افزایش قابل توجهی یابد؛ اثری که تا ۳ ماه پس از آموزش نیز به خوبی ماندگار ماند. استفاده از این روش آموزشی می تواند به ارتقای کیفیت خدمات مراقبت پرستاری کمک کند.

پیام پژوهشی:

بیماری سرطان کودکان و فرایند طولانی شیمی درمانی، خانواده ها را با بحران عاطفی و تنش های شدید مواجه می کند. ناآگاهی از عوارض درمان و چگونگی مراقبت صحیح، اضطراب والدین را دوجندان کرده و روند بهبودی کودک را نیز تحت تأثیر منفی قرار می دهد.

این پژوهش نشان داد والدینی که در ۸ جلسه آموزشی توانمندسازی خانواده شرکت کرده بودند، در مقایسه با والدینی که آموزشی دریافت نکردند، کاهش فشار روانی و دل‌شوره در آن‌ها کاملاً مشهود بود. همچنین باور و اعتمادبه‌نفس این والدین برای انجام مراقبت‌های روزمره از کودک افزایش چشمگیری یافت و نکته مهم اینکه این اثرات مثبت تا ۳ ماه بعد از پایان آموزش‌ها نیز پایدار ماند. نتایج این مطالعه می‌تواند به کادر درمان و مدیران بیمارستانی کمک کند تا با برگزاری دوره‌های آموزشی منظم و ساده، بار روانی تحمیل‌شده بر دوش خانواده‌ها را سبک کرده و کیفیت مراقبت از کودکان بیمار را بهبود بخشند.

• اهمیت موضوع :

سرطان کودکان، سلامت روان مراقبان اصلی را تهدید می‌کند. توانمندسازی والدین گامی اساسی در ارتقای تاب‌آوری روانی خانواده و بهبود کیفیت مراقبت از کودک بیمار است.

• مهمترین نتایج طرح:

- اجرای برنامه آموزشی خانواده‌محور باعث شد والدین کودکان مبتلا به سرطان، نگرانی و فشار روانی کمتری را تجربه کنند و اعتمادبه‌نفس بالاتری برای مراقبت از فرزند خود در مراحل سخت شیمی‌درمانی به دست آورند؛ اثر این آموزش‌ها تا سه ماه بعد نیز ماندگار بود.

• موارد کاربرد نتایج طرح :

- بالینی: ادغام بسته‌های آموزشی توانمندسازی خانواده‌محور در برنامه‌های مراقبت پرستاری بخش‌های آنکولوژی اطفال.
- آموزشی: استفاده در کارگاه‌های آموزش به بیمار و خانواده جهت ارتقای مهارت‌های مراقبتی والدین.
- مدیریتی: تدوین راهنماهای حمایتی-آموزشی برای خانواده‌های بیماران خاص در بیمارستان‌ها.

تأثیرات و کاربردهای آن:

تأثیر 1: کاهش معنادار سطح استرس درک‌شده و بار روانی تحمیل‌شده بر والدین کودکان تحت شیمی‌درمانی.

تأثیر 2: ارتقای سطح خودکارآمدی و افزایش مهارت‌ها و رفتارهای مراقبتی مؤثر والدین در منزل و بیمارستان

محدودیت‌های شواهد چه بودند؟

حجم نمونه محدود (۶۰ نفر)، تک‌مرکزی بودن پژوهش (بیمارستان کاشانی شهرکرد) و عدم امکان کورسازی به دلیل ماهیت مداخله آموزشی.

مخاطبان طرح پژوهشی

- ارائه‌دهندگان خدمات سلامت: پرستاران، روان‌شناسان سلامت و کادر درمانی بخش‌های خون و آنکولوژی کودکان.
 - گیرندگان خدمات سلامت: والدین، مراقبان و خانواده‌های دارای کودک مبتلا به سرطان و تحت شیمی‌درمانی.
- مدیران و سیاست‌گذاران: مدیران پرستاری، رؤسای بیمارستان‌ها و برنامه‌ریزان حوزه سلامت خانواده و سرطان اطفال.
- آیا این خبر می‌تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش‌های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟
- اجرای این برنامه هیچ‌گونه پیامد منفی یا عارضه جانبی (دارویی، فرهنگی، اجتماعی یا درمانی) به همراه ندارد، زیرا مداخله‌ای آموزشی، غیرتهاجمی و با هدف حمایت روانی-اجتماعی است.

ایمیل ارتباطی و تلفن مجری اصلی طرح:

09124711589

bitasadeghi95@gmail.com

sadeghi.b@skums.ac.ir

منابع و مراجع:

- Shoghi M, Shahbazi B, Seyedfatemi N. The Effect of the Family-Centered Empowerment Model 1.. (FCEM) on the Care Burden of the Parents of Children Diagnosed with Cancer. *Asian Pacific Journal of Cancer Prevention*. 2019.
<https://pmc.ncbi.nlm.nih.gov/articles/PMC7021596/>
نسخه PubMed: <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/31244297/>
2. حسین‌زاده ف، رادفر م، مقدم تبریزی ف، خلخالی ح ر. تأثیر گروه‌درمانی مبتنی بر تاب‌آوری بر مقابله با بیماری فرزند در مادران کودکان مبتلا به سرطان. مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه.
http://unmf.umsu.ac.ir/browse.php?a_id=3687&sid=1&slc_lang=fa
3. مدانلو ش، روحانی ک، شیرین‌آبادی فراهانی ا، پورحسینقلی ا. عملکرد خانواده در والدین کودکان مبتلا به سرطان. مجله پژوهش پرستاری ایران. <http://ijnr.ir/article-1-1481-fa.html>

2-عنوان طرح تحقیقاتی:

بررسی اپیدمیولوژی بروز و شیوع بیماری IBD در کشور ایران طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۷: یک مطالعه اکولوژیک در سطح کشور

شماره طرح: 7298

تاریخ خاتمه طرح: 1405

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

مجری اصلی: دکتر احمد رئیسی، استادیار، گروه بیماری‌های کودکان، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران.
همکاران:

دکتر عبدالله محمدیان (دانشیار، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران).
دکتر شایان ذوالفقاری دهکردی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران.

عنوان پیام پژوهشی:

کاهش بار بیماری‌های التهابی روده در ایران هم‌زمان با تداوم شکاف عمیق جغرافیایی و جنسیتی

پیام کلیدی:

بررسی کشوری ده‌ساله نشان داد بروز و شیوع استاندارد شده سنی بیماری‌های التهابی روده (IBD) در ایران روندی کاهشی را طی کرده و سپس در سطحی پایدار تثبیت شده است. نرخ بیماری در زنان به‌طور مداوم بالاتر از مردان و قله سنی ابتلا در میان‌سالی بود. همچنین شکاف جغرافیایی پایداری وجود داشت؛ به‌گونه‌ای که استان‌های شهری و توسعه‌یافته بالاترین و استان‌های کم‌برخوردار پایین‌ترین آمار ابتلا را ثبت کردند که ضرورت توزیع عادلانه خدمات تخصصی را برجسته می‌سازد.

پیام پژوهشی:

بیماری‌های التهابی روده شامل کرون و کولیت اولسراتیو از بیماری‌های مزمن دستگاه گوارش هستند که با تحمیل ناتوانی طولانی‌مدت، بار سنگینی بر سلامت عمومی دارند. این مطالعه اکولوژیک کشوری با هدف تبیین روند ده‌ساله بروز و شیوع استاندارد شده سنی بیماری در سطح کلیه ۳۱ استان کشور طی بازه زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۷ به انجام رسید.

نتایج نشان داد شاخص‌های بروز و شیوع بیماری در سطح ملی تا حوالی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۳ کاهش پیوسته‌ای داشته و پس از آن در وضعیتی نسبتاً پایدار و همراه با شیب نزولی ملایم قرار گرفته است. بیشترین میزان ابتلا در سنین میانسالی (۴۵ تا ۵۴ سال) و سطوح بالای شیوع در افراد میانسال و سالمند متمرکز بود. در تمامی سال‌ها، شاخص‌های بروز و شیوع در زنان نسبت به مردان بالاتر بود. با وجود سیر کاهشی کلی در سطح کشور، تفاوت‌های چشمگیر استانی همچنان پابرجا ماند؛ استان‌های شهری‌تر و برخوردار نظیر تهران، مازندران، اصفهان و گیلان بیشترین میزان شیوع و استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان شمالی و کهگیلویه و بویراحمد کمترین میزان را داشتند. بخشی از این ناهمگونی می‌تواند بازتاب‌دهنده تفاوت‌های بومی در سبک زندگی، رژیم غذایی و شهرنشینی باشد، اما تفاوت دسترسی به امکانات پیشرفته تشخیصی نظیر کولونوسکوپی و پزشکان فوق تخصص گوارش نیز نقشی محوری دارد. راه‌اندازی سامانه ثبت ملی بیماران گامی ضروری برای ارتقای مراقبت و توزیع متوازن امکانات تشخیصی در کشور است.

اهمیت موضوع :

شناخت الگوهای جغرافیایی و جمعیتی بیماری‌های التهابی روده برای توزیع بهینه منابع درمانی بسیار حیاتی است. تفاوت چشمگیر شیوع بیماری میان استان‌ها، لزوم رفع نابرابری در دسترسی به روش‌های تشخیصی و شناسایی عوامل محیطی و تغذیه‌ای را به عنوان یک اولویت سلامت آشکار می‌کند.

مهمترین نتایج طرح:

آمار کشوری نشان داد در طول یک دهه، ابتلا به التهاب مزمن روده روندی رو به کاهش و سپس پایدار داشته و بروز آن در زنان بیش از مردان بوده است. همچنین در استان‌های بزرگ و صنعتی با سبک زندگی شهری، بیماری بسیار شایع‌تر از مناطق کمتر توسعه‌یافته گزارش شده که می‌تواند ناشی از تفاوت سبک زندگی یا دسترسی بهتر به متخصصان و امکانات تشخیصی باشد.

موارد کاربرد نتایج طرح :

این شواهد مبنایی کاربردی برای سیاست‌گذاران در جهت راه‌اندازی ثبت رسمی کشوری (رجیستری) بیماری‌های التهابی روده و تخصیص عادلانه پزشکان فوق تخصص و تجهیزات آندوسکوپی و کولونوسکوپی به مناطق کم‌برخوردار فراهم می‌کند. همچنین به پژوهشگران و متخصصان بالینی گوارش جهت بررسی دقیق‌تر عوامل مرتبط با سبک زندگی شهری، تغذیه و آلاینده‌های محیطی در کانون‌های پرخطر کمک می‌نماید.

تاثیرات و کاربردهای آن

تاثیر 1: اصلاح و بازتوزیع تجهیزات تشخیصی کولونوسکوپی و نیروی فوق تخصصی گوارش به مناطق کم‌برخوردار برای ارتقای توان بیماریابی زودهنگام و کاهش تاخیر در درمان.

تاثیر 2: فراهم‌سازی ضرورت سیاست‌گذاری جهت تاسیس رجیستری ملی یکپارچه برای بیماری‌های مزمن التهابی روده با هدف ثبت دقیق و پایش بلندمدت بار سلامت این بیماران.

محدودیت های شواهد چه بودند؟

۱. طراحی اکولوژیک: عدم بررسی متغیرها در سطح فردی و عدم امکان تعیین قطعی رابطه علت و معلولی میان متغیرهای محیطی یا تغذیه‌ای با بروز بیماری (مغالطه اکولوژیک).

۲. وابستگی به داده‌های ثبتی ثانویه: تفاوت‌های آماری استانی ممکن است تا حدی متأثر از تفاوت سطح دسترسی به تجهیزات پیشرفته تشخیصی و ناهمگونی در گزارش‌دهی باشد تا اختلاف واقعی در ابتلا.

۳. عدم ثبت متغیرهای مداخله‌گر فردی: عواملی چون نوع تغذیه، مصرف آنتی‌بیوتیک، وضعیت استرس، سیگار و تظاهرات خارج‌روده‌ای در پایگاه‌های داده وجود نداشتند.

مخاطبان طرح پژوهشی

گیرندگان خدمات سلامت (مردم، بیماران، رسانه‌ها): بیماران مبتلا به کولیت و کرون و خانواده‌های آنان، انجمن‌های حمایت از بیماران گوارشی، و رسانه‌های ارتقای سلامت جامعه جهت افزایش آگاهی از علائم هشداردهنده گوارشی و سبک زندگی سالم.

ارائه‌کنندگان خدمات سلامت (پزشکان، داروسازان، پرستاران، ماماها و...): فوق تخصص‌های گوارش و کبد، متخصصان داخلی، پزشکان عمومی و جراحان عمومی و پرستاران کلینیک‌های گوارش.

مدیران و سیاستگذاران نظام سلامت (مدیران بیمارستان، دانشگاه، سازمان غذا و دارو، معاونت بهداشتی و...): مرکز مدیریت پیوند و درمان بیماری‌های وزارت بهداشت، معاونت‌های درمان و بهداشتی دانشگاه‌های علوم پزشکی، کارشناسان توزیع تجهیزات پزشکی و برنامه‌ریزان بیماری‌های غیرواگیر.

آیا این خبر می‌تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش‌های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟

خیر؛ این یافته‌ها یک گزارش اپیدمیولوژیک و علمی است و هیچ‌گونه تبعات سیاسی، مذهبی، دارویی یا فرهنگی منفی در پی ندارد. انتشار آن از منظر بهداشتی و اجتماعی موجب افزایش حساسیت نسبت به دسترسی برابر به درمان و بهبود آگاهی عمومی از بیماری‌های مزمن گوارشی می‌گردد.

ایمیل ارتباطی و تلفن مجری اصلی طرح:

9131841594

ahmad.raeisi1400@gmail.com

raeisi.ah@skums.ac.ir

منابع و مراجع:

- 1-Burisch J, Munkholm P. The epidemiology of inflammatory bowel disease. *Scandinavian Journal of Gastroenterology*. 2015;50(8):942-951.
- 2-Kaplan GG, Ng SC. Understanding and preventing the global increase of inflammatory bowel disease. *Gastroenterology*. 2017;152(2):313-321.e2.
- 3-Agrawal M, Jess T. Implications of the changing epidemiology of inflammatory bowel disease in a changing world. *United European Gastroenterology Journal*. 2022;10(10):1113-1120.
- 4-Ng SC, Tang W, Ching JY, et al. Incidence and phenotype of inflammatory bowel disease based on results from the Asia-Pacific Crohn's and colitis epidemiology study. *Gastroenterology*. 2013;145(1):158-165.e2.

3-عنوان طرح تحقیقاتی: بررسی ارتباط خشونت همسر و پیامدهای باروری در زنان مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی

منتخب شهرستان شهرکرد

شماره / کد طرح: 7535

تاریخ خاتمه طرح: 1405

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

مجری اصلی: دکتر پانته آرمضان نژاد، استادیار دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران
همکاران: مهرناز بزرگ نیا، دانشجوی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران
دکتر فرنگیس شریفی (استادیار دانشکده پرستاری و مامایی)، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران
دکتر هادی رئیسی (استادیار دانشکده بهداشت)، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

در شهرکرد، خشونت همسر با بارداری ناخواسته و شمار بالاتر فرزندان ارتباط معنادار دارد.

پیام کلیدی:

در مطالعه ۳۸۵ زن مراجعه‌کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهرکرد، ۸۱ درصد حداقل یک نوع خشونت همسر را تجربه کرده بودند که خشونت عاطفی (۷۷٫۹٪) شایع‌ترین نوع بود. شدت خشونت فیزیکی، جنسی و عاطفی با وقوع بارداری ناخواسته و افزایش تعداد فرزندان ارتباط آماری معناداری نشان داد؛ اما میان خشونت با فاصله بین بارداری‌ها، روش پیشگیری، سابقه سقط، زایمان زودرس و مرگ جنین ارتباط معناداری مشاهده نشد.

پیام پژوهشی:

بدرفتاری و تنش در روابط زناشویی تنها به آسیب‌های ظاهری و جسمی محدود نمی‌شود، بلکه تأثیر عمیقی بر آرامش روحی و تصمیم‌های مهم زندگی زنان، به‌ویژه در زمینه فرزندآوری، بر جای می‌گذارد. این پژوهش با هدف درک بهتر تجربیات بانوان و بررسی پیامدهای این رفتارها در محیط خانواده انجام شد تا به شناختی روشن‌تر از این چالش‌ها دست یابد.

یافته‌ها بیانگر آن است که بخش عمده‌ای از زنان در زندگی مشترک، گونه‌هایی از رفتارهای نامهربانانه را تجربه کرده‌اند؛ در این میان فشارهای روحی، سرزنش و بی‌احترامی شایع‌ترین تجربه بوده و آزارهای جسمی و زناشویی در مراتب بعدی قرار داشته‌اند. همچنین در میان بانوانی که با رفتارهای تندتر و پرخاشگری بیشتری روبه‌رو بوده‌اند، وقوع بارداری‌های ناخواسته و تعداد فرزندان در خانواده بیشتر به چشم می‌خورد. علاوه بر این، بررسی‌ها نشان داد در محیط‌هایی که همسر از سطح تحصیلات و آموزش کمتری برخوردار بوده، رفتارهای نامناسب و خشونت در خانه با احتمال بیشتری رخ داده است.

این نتایج بیش از هر چیز ضرورت ایجاد فضایی امن، آرام و کاملاً محرمانه را در مراکز بهداشتی و درمانی یادآوری می‌کند؛ محیطی عاری از قضاوت که بانوان بتوانند با خاطری آسوده و بدون احساس نگرانی، چالش‌های فردی و خانوادگی خود را بیان کرده و از مشاوره‌ها و حمایت‌های لازم برای سلامت روح و جسم خود و استحکام کانون خانواده بهره‌مند شوند.

اهمیت موضوع

خشونت همسر معضلی شایع با پیامدهای فردی و خانوادگی است. شیوع ۸۱ درصدی خشونت در مراجعان و ارتباط آن با بارداری‌های ناخواسته، ضرورت توجه به سلامت روان و سلامت باروری زنان را در برنامه‌های مراقبت اولیه نظام سلامت آشکار می‌سازد.

مهمترین نتایج طرح به زبان غیر تخصصی :

از هر ۱۰ زن مراجعه‌کننده، حدود ۸ نفر تجربه بد رفتاری یا خشونت همسر را داشتند که توهین و رفتارهای تحقیرآمیز کلامی و عاطفی بیشترین سهم را داشت. زنانی که این رفتارها را تجربه کرده بودند، بیشتر با بارداری‌های ناخواسته و بدون برنامه‌ریزی روبه‌رو شده و فرزندان بیشتری داشتند؛ اما سقط و زایمان زودرس ارتباط مستقیمی با این موضوع نشان ندادند.

موارد کاربرد نتایج طرح :

مراکز خدمات جامع سلامت می‌توانند از این یافته‌ها برای بهینه‌سازی مشاوره سلامت باروری، آموزش مهارت‌های ارتباطی به زوجین، و افزایش حساسیت کادر مامایی برای شناسایی محرمانه موارد در معرض خطر بهره‌برند. مدیران سلامت نیز می‌توانند پیوند بین نظام بهداشت با خدمات روان‌شناختی و اورژانس اجتماعی را برای حمایت ایمن و هدفمند از زنان آسیب‌دیده تقویت کنند.

تأثیرات و کاربردهای آن

تأثیر 1 ارتقای آگاهی پرسنل بهداشتی (به‌ویژه ماماها و مراقبان سلامت) نسبت به شیوع بالای آزارهای عاطفی در خانواده و نقش پنهان آن در بروز بارداری‌های ناخواسته.

تأثیر 2 فراهم‌سازی شواهد بومی برای سیاست‌گذاران دانشگاهی و استانی جهت طراحی مداخلات مشاوره‌ای پیش از بارداری و تدوین فرآیند ارجاع امن و محرمانه مراجعان.

محدودیت های شواهد چه بودند؟

1. طراحی مقطعی مطالعه: امکان استنتاج قطعی رابطه علیّت (علت و معلولی) وجود ندارد.
2. جمع‌آوری داده‌ها به روش خودگزارش‌دهی: به دلیل حساسیت و بار فرهنگی تابوی خشونت خانگی، احتمال سوگیری در پاسخ‌دهی یا گزارش کمتر از واقعیت وجود دارد (که پژوهشگر با تأکید بر اصل محرمانگی تلاش در مهار آن نموده است).
3. محدودیت جامعه پژوهش: نمونه‌گیری صرفاً از مراجعان ۴ مرکز بهداشتی منتخب در شهرکرد انجام شده و قابلیت تعمیم آن به سایر مناطق یا بافت‌های روستایی نیازمند احتیاط است.

مخاطبان طرح پژوهشی

- **گیرندگان خدمات سلامت (مردم، بیماران، رسانه‌ها):** زنان در سنین باروری و همسرانشان، زوجین جوان در آستانه ازدواج، و فعالان رسانه‌ای حوزه خانواده و سلامت اجتماعی (با رویکرد آگاهی‌بخشی آرامش‌بخش و بدون انگ‌زنی)
- **ارائه‌کنندگان خدمات سلامت (پزشکان، داروسازان، پرستاران، ماماها و...):** ماماها، پزشکان خانواده، کارشناسان سلامت روان، و مراقبان سلامت مستقر در مراکز بهداشت و پایگاه‌های سلامت شهری.
- **مدیران و سیاست‌گذاران نظام سلامت (مدیران بیمارستان، دانشگاه، سازمان غذا و دارو، معاونت بهداشتی و...):** معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، کارشناسان برنامه‌های باروری سالم و جمعیت، و مدیران سازمان‌های حمایتی و بهزیستی (اورژانس اجتماعی)

آیا این خبر می‌تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش‌های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟

از نظر دارویی، سیاسی یا تعارض با ارزش‌های دینی تبعاتی ندارد و در راستای تحکیم سلامت خانواده و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی است. با این حال، از منظر اجتماعی و فرهنگی، انتشار عمومی یافته‌ها در رسانه‌ها باید با دقت و ظرافت علمی صورت گیرد تا مانع سیاه‌نمایی یا ایجاد برچسب نامناسب به شهروندان شده و محرمانگی هویت افراد جامعه مورد مطالعه حفظ گردد.

ایمیل ارتباطی و تلفن مجری اصلی طرح:

9131839631ramezannezhad.p@gmail.com

ramezanhezha.p@skums.ac.ir

منابع و مراجع: 4 مرجع اصلی استفاده شده در طرح تحقیقاتی مورد نظر را ذکر نمایید.

1. World Health Organization. *Violence against women prevalence estimates, 2018: global, regional and national prevalence estimates for intimate partner violence against women and global and regional prevalence estimates for non-partner sexual violence against women*. Geneva: World Health Organization; 2021.

مشاهده مستقیم گزارش کامل در سازمان جهانی بهداشت (WHO)

2. Guo C, Wan M, Wang Y, Wang P, Tousey-Pfarrer M, Liu H, et al. Associations between intimate partner violence and adverse birth outcomes during pregnancy: a systematic review and meta-analysis. *Frontiers in Medicine*. 2023;10:1140787.

مشاهده مستقیم مقاله در (Frontiers in Medicine (DOI: 10.3389/fmed.2023.1140787)

3. World Health Organization. *Responding to intimate partner violence and sexual violence against women: WHO clinical and policy guidelines*. Geneva: World Health Organization; 2013.

مشاهده مستقیم راهنما در سازمان جهانی بهداشت (WHO Guidelines)

4-- عنوان طرح تحقیقاتی: بررسی ارتباط سواد سلامت الکترونیک و اعتقادات بهداشتی در زمینه رفتارهای پیشگیری کننده از سرطان پروستات در مردان مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهرکرد

شماره طرح: ۸۱۹۷

تاریخ خاتمه طرح: ۱۴۰۵

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

دکتر سعید عالی (مجری اصلی) - استادیار دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران.

همکاران: مینا صالحی: دانشجوی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران.

دکتر الهه توسلی: استادیار دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران.

عنوان پیام پژوهشی: نقش سواد سلامت الکترونیک و باورهای بهداشتی در پیشگیری از سرطان پروستات در مردان بالای ۴۰ سال شهرکرد

پیام کلیدی:

سواد سلامت الکترونیک مردان در سطح پایینی قرار دارد؛ با این حال، افزایش توانمندی در بازیابی و درک اطلاعات سلامت دیجیتال، مستقیماً شدت و منافع درک شده رفتارهای غربالگری را بالا برده و موانع ذهنی پیشگیری از سرطان پروستات را کاهش می دهد. مردان با سواد سلامت الکترونیک کمتر، با افزایش سن در معرض غفلت بیشتری از غربالگری زودهنگام هستند. لذا آموزش مهارت های سلامت دیجیتال، پیش نیاز حیاتی پذیرش غربالگری سرطان پروستات است.

پیام پژوهشی:

سرطان پروستات از شایع ترین بدخیمی ها و دومین عامل مرگ و میر ناشی از سرطان در مردان است که بار بیماری قابل توجهی را تحمیل می کند. تشخیص زودهنگام از طریق آزمایش خون و معاینات دوره ای، شانس بقا را به میزان چشمگیری ارتقا می دهد، اما رفتارهای پیشگیرانه مردان به شدت تحت تأثیر نظام باورهای بهداشتی و میزان دسترسی و بهره برداری صحیح از اطلاعات است.

در این پژوهش مقطعی که بر روی ۲۰۰ نفر از مردان بالای ۴۰ سال مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهرکرد انجام شد، وضعیت سواد سلامت الکترونیک و سازه های الگوی اعتقاد بهداشتی ارزیابی گردید. نتایج نشان داد که سطح سواد سلامت الکترونیک مردان در وضعیت پایینی قرار دارد و این شاخص با افزایش سن کاهش می یابد. با این وجود، همبستگی معناداری بین سواد سلامت الکترونیک و تقویت باور به منافع غربالگری و همچنین کاهش درک موانع بازدارنده وجود دارد.

یافته ها حاکی از آن است که ناآگاهی از نحوه ارزیابی و کاربرد اطلاعات معتبر سلامت در فضای وب، مانعی جدی در درک ضرورت اقدامات تشخیصی بهنگام به شمار می رود. بنابراین، طراحی پلتفرم های کاربرپسند بومی و اجرای برنامه های آموزشی هدفمند برای توانمندسازی مردان در حوزه سلامت دیجیتال، عاملی کلیدی در تقویت رفتارهای خودمراقبتی و تسهیل مراجعه زودهنگام جهت آزمایش های غربالگری سرطان پروستات خواهد بود.

اهمیت موضوع:

سرطان پروستات بار سلامت سنگینی بر مردان تحمیل می کند. کشف زودهنگام بیماری، مستلزم ارتقای مهارت مردان در دریافت و درک اطلاعات دیجیتال سلامت جهت غلبه بر موانع روانی و تقویت باورهای پیشگیرانه است.

مهمترین نتایج:

بسیاری از مردان بالای ۴۰ سال، مهارت کافی برای یافتن و سنجش اطلاعات سلامت در اینترنت ندارند. هرچه توانایی مردان در استفاده درست از فضای مجازی بیشتر باشد، فواید غربالگری و چکاپ سرطان پروستات را بهتر درک کرده و ترس‌ها و موانع ذهنی کمتری برای انجام آزمایش نشان می‌دهند.

موارد کاربرد نتایج طرح :

۱. تدوین برنامه‌های آموزشی ترویج سواد سلامت دیجیتال در مراکز بهداشت
۲. طراحی کمپین‌های غربالگری سرطان پروستات متناسب با گروه‌های سنی مسن‌تر و سطوح تحصیلی گوناگون
۳. تولید محتوای رسانه‌ای ساده و کاربردی جهت کاهش موانع ذهنی مردان برای چکاپ دوره‌ای

تأثیرات و کاربردهای آن:

- تأثیر ۱:** افزایش نرخ مشارکت مردان بالای ۴۰ سال در غربالگری دوره‌ای سرطان پروستات (تست PSA و معاینات دوره‌ای) و در نتیجه تشخیص در مراحل اولیه با درمان‌پذیری بالاتر.
- تأثیر ۲:** ارتقای سواد سلامت دیجیتال در مردان میان‌سال و سالمند که منجر به کاهش موانع روانی و ارتقای رفتارهای خودمراقبتی عمومی در نظام سلامت می‌شود.

محدودیت‌های شواهد چه بودند؟ مقطعی بودن ماهیت پژوهش (عدم امکان اثبات رابطه علی-معلولی)، جمع‌آوری داده‌ها به شیوه خودگزارش‌دهی و محدود بودن نمونه به مردان مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی شهرکرد.

مخاطبان طرح پژوهشی

گیرندگان خدمات سلامت (مردم، بیماران، رسانه‌ها): مردان بالای ۴۰ سال، خانواده‌ها و عموم جامعه

ارائه‌کنندگان خدمات سلامت (پزشکان، داروسازان، پرستاران، ماماها و...: پزشکان عمومی، کارشناسان بهداشت عمومی و مراقبان سلامت مراکز جامع.

مدیران و سیاستگذاران نظام سلامت (مدیران بیمارستان، دانشگاه، سازمان غذا و دارو، معاونت بهداشتی و...): معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی، مسئولان آموزش و ارتقای سلامت و برنامه‌ریزان سلامت مردان.

آیا این خبر می‌تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش‌های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟ خیر؛ این طرح بر افزایش آگاهی‌های عمومی و سواد بهداشتی مردان برای حفظ سلامت و پیشگیری از سرطان تأکید دارد و کاملاً با موازین فرهنگی، بهداشتی و دینی سازگار است.

ایمیل ارتباطی و تلفن مجری اصلی طرح:

saeedaali1350@gmail.com 09132082196 aali.s@skums.ac.ir

منابع و مراجع:

1. Didarloo, A., et al. (2016). Application of Health Belief Model to Predict Prostate Cancer Screening Behaviors among Men. Asian Pacific Journal of Cancer Prevention (APJCP)

- Panahi, R., et al.** (2018). *The relationship between health literacy and adoption of preventive behaviors of prostate cancer based on Health Belief Model*. Journal of Education and Community Health. 2
- Jamieson, J. M., et al.** (2022). *Health literacy and prostate cancer screening among older adults: A systematic review and meta-analysis*. Preventive Medicine. 3
- Raeisi, M., et al.** (2020). *E-Health Literacy and Preventive Health Behaviors: A Cross-Sectional Study*. International Journal of Behavioral Sciences. 4

5--عنوان طرح تحقیقاتی:

تأثیر مداخله‌ی آموزشی، حمایتی مبتنی بر تئوری شناختی اجتماعی بندورا بر سلامت روان و خودکارآمدی مادران دارای کودک اوتیسم در سال ۱۴۰۴ در استان چهارمحال و بختیاری

تاریخ خاتمه طرح: 1405

کد طرح: 7927

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

مجری اصلی: دکتر هایده حیدری سورشجانی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران .
همکاران:

رویا طاهری میرقائد، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران .
دکتر پروین صفوی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران .
دکتر هادی رئیسی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران .

عنوان پیام پژوهشی:

نقش آموزش و حمایت روانی در ارتقای آرامش و توانمندی مادران دارای کودک اوتیسم

پیام کلیدی:

مادران کودکان مبتلا به اوتیسم همواره با فشارهای روحی، اضطراب و کاهش باور به توانمندی‌های فردی روبرو هستند. این پژوهش نشان داد که اجرای یک برنامه آموزشی و حمایتی کوتاه‌مدت (۴ جلسه) بر پایه تقویت خودباوری و الگوپذیری، توانست سلامت روان و حس خودکارآمدی این مادران را به شکلی چشمگیر و ماندگار ارتقا بخشد. به‌کارگیری این شیوه آموزشی ساده در مراکز بهداشتی و توانبخشی، گامی مؤثر برای آرامش مادران و مراقبت بهتر از کودکان است.

پیام پژوهشی:

پرورش و مراقبت مداوم از کودک مبتلا به اختلال طیف اوتیسم به دلیل چالش‌های ارتباطی و رفتاری کودک، بار روانی سنگینی بر دوش مادران می‌گذارد و زمینه‌ساز فرسودگی، اضطراب و تضعیف سلامت روان آنان می‌شود. این وضعیت در بسیاری از موارد به کاهش باور مادران در توانایی مدیریت رفتارهای فرزندشان (حس خودکارآمدی) می‌انجامد.

برای رفع این مشکل، مطالعه‌ای در استان چهارمحال و بختیاری با مشارکت ۴۰ نفر از مادران کودکان اوتیسم انجام گرفت تا اثر یک مداخله آموزشی و حمایتی سنجیده شود. مادران به دو گروه مساوی تقسیم شدند؛ برای گروه اول، ۴ جلسه آموزشی و مشاوره‌ای شامل مهارت‌های کنترل هیجانات، یادگیری از موفقیت‌های گذشته، گفتگو پیرامون تجارب مشترک و اصلاح باورهای منفی برگزار شد، در حالی که گروه دوم صرفاً از مراقبت‌های عادی بهره‌مند بودند.

یک ماه پس از اتمام آموزش‌ها، سنجش مجدد نشان داد وضعیت سلامت روان و نشاط روحی مادران حاضر در دوره‌ها به طور ملموسی بهتر شد و نشانه‌های استرس در آنان افت چشمگیری پیدا کرد. همچنین حس خودکارآمدی و تسلط این مادران در رویارویی با مشکلات رفتاری کودک افزایش یافت؛ در حالی که در مادران آموزش‌نندیده هیچ بهبود محسوسی رخ نداد. این یافته‌ها نشان می‌دهد توانمندسازی روان‌شناختی مادران، راهکاری کم‌هزینه و کاربردی است که می‌تواند کیفیت زندگی کل خانواده را متحول کند.

اهمیت موضوع

سلامت و آرامش روحی مادر، اساس ثبات خانواده و بستر رشد بهینه کودک مبتلا به اوتیسم است. حفاظت از روحیه و خودباوری مادران از بروز فرسودگی شدید روانی جلوگیری کرده و روند توانبخشی کودک را کارآمدتر و اثربخش تر می سازد.

مهمترین نتایج طرح به زبان غیر تخصصی

شرکت در این جلسات آموزشی و حمایتی توانست میزان اضطراب و پریشانی روحی مادران را به شکل چشمگیری پایین آورده و سلامت عمومی آنان را بهبود دهد. همچنین این برنامه باعث شد مادران اعتماد بیشتری به توانمندی های خود برای مدیریت رفتارهای خاص کودک پیدا کنند و با آرامش بیشتری در برابر مشکلات صبورى نمایند.

موارد کاربرد نتایج طرح :

این نتایج می تواند در درمانگاه ها، کلینیک های روانپزشکی و توانبخشی اطفال، مراکز جامع سلامت و انجمن های خیریه اوتیسم به کار گرفته شود. کارشناسان سلامت و پرستاران خانواده می توانند از سرفصل های این ۴ جلسه به عنوان یک راهنمای عملی برای راه اندازی گروه های همیاری مادران و آموزش های خانواده محور استفاده کنند.

تأثیرات و کاربردهای آن

تأثیر 1: کاهش افت روحی، پیشگیری از افسردگی و افزایش سلامت روان و نشاط مادران دارای فرزند مبتلا به اوتیسم در سطح جامعه.
تأثیر 2: ارتقای سطح خودباوری و مهارت های فرزندپروری مادران که به طور مستقیم بهبود روند رشد و آرامش بیشتر کودک را به همراه دارد.

محدودیت های شواهد چه بودند؟

محدود بودن جامعه پژوهش به یک استان (چهارمحال و بختیاری)، تعداد نمونه های محدود (۴۰ نفر) و عدم پیگیری طولانی مدت در بازه های زمانی بیش از یک ماه از محدودیت های تعمیم این یافته ها به شمار می رود.

مخاطبان طرح پژوهشی

گیرندگان خدمات سلامت (مردم، بیماران، رسانه ها): مردم، بیماران، رسانه ها (به ویژه مادران و خانواده های دارای کودک اوتیسم)
ارائه کنندگان خدمات سلامت (پزشکان، داروسازان، پرستاران، ماماها و....: پزشکان، داروسازان، پرستاران، ماماها و سایر کارکنان سلامت (به ویژه پرستاران مراکز توانبخشی، روان شناسان و مشاوران سلامت روان)
مدیران و سیاستگذاران نظام سلامت (مدیران بیمارستان، دانشگاه، سازمان غذا و دارو، معاونت بهداشتی و...): مدیران بیمارستان، دانشگاه، سازمان غذا و دارو، معاونت بهداشتی و سایر نهادهای سیاست گذار (جهت تدوین پروتکل های مراقبت خانواده محور)

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟

یافته های این طرح هیچ گونه تبعات منفی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی یا دینی ندارد؛ بلکه با حمایت از کانون خانواده و تکریم جایگاه مادری، به کاهش هزینه های درمان سلامت روان در جامعه و افزایش امید در خانواده ها کمک می کند.

ایمیل ارتباطی و تلفن مجری اصلی طرح:

9133822402

haydehheidari@gmail.com

h.heidari@skums.ac.ir

منابع و مراجع:

Comparison of effects of interventions to promote the mental health of parents of children with autism: A systematic review and network meta-analysis. *Clinical Psychology Review*, 114, 102508.

• لینک مستقیم PubMed: <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/39489145/>

• لینک شناسه DOI: <https://doi.org/10.1016/j.cpr.2024.102508>

Human agency in social cognitive theory. *American Psychologist*, 44(9), 1175–1184. –2

• لینک مستقیم PubMed: <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/2782727/>

The effect of a self-efficacy-based educational programme on maternal self-efficacy: A longitudinal study. *Midwifery*, 36, 92–98. –3

• لینک مستقیم PubMed: <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/27106949/>

6-- عنوان طرح تحقیقاتی: بررسی اپیدمیولوژی شیوع، بروز و مرگ و میر سرطان کبد مرتبط با هپاتیت B و C در کشور ایران

تاریخ خاتمه طرح: 1405

کد طرح: 8050

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

● **مجری اصلی:** دکتر احمد رئیسی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران
همکاران: سید عرفان حسینی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران
دکتر روح‌الله معصومی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران
دکتر عبدالله محمدیان، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

الگوی جغرافیایی و سنی سرطان کبد ناشی از هپاتیت در ایران؛ ضرورت مداخله هدفمند در مناطق پرخطر

پیام کلیدی:

ابتلا به سرطان کبد ناشی از هپاتیت در سراسر کشور یکنواخت نیست؛ بلکه بیشترین بار بیماری در استان‌های غربی و شمال‌غربی، مردان و افراد میانسال به بالا متمرکز است. در حالی که واکسیناسیون هپاتیت ب روند بیماری را تا حد زیادی مهار کرده، کنترل هپاتیت سی نیازمند بیماریابی فعال‌تر و درمان‌های نوین است. توزیع عادلانه امکانات بهداشتی در استان‌های دارای شیوع بالاتر، اثربخش‌ترین راهکار نجات بیماران است.

پیام پژوهشی:

سرطان کبد یکی از بیماری‌های خطرناک و نگران‌کننده دستگاه گوارش است که در اغلب موارد به دنبال عفونت‌های درمان‌نشده و مزمن هپاتیت ایجاد می‌شود. این پژوهش ملی با هدف ترسیم تصویری جامع از پراکندگی جغرافیایی، تفاوت‌های جنسیتی و روند ده‌ساله این بیماری در تمامی استان‌های کشور به انجام رسید.

یافته‌ها نشان داد که وضعیت بروز و ابتلا در پهنه جغرافیایی ایران ناهمگون است؛ به گونه‌ای که برخی استان‌های واقع در غرب و شمال‌غرب کشور با چالش‌ها و موارد ابتلای بیشتری نسبت به سایر مناطق روبه‌رو هستند. همچنین مردان و گروه‌های سنی بالاتر از میانسالی، آسیب‌پذیری بسیار بیشتری نسبت به این سرطان نشان دادند. بررسی روندها حاکی از آن است که استمرار پوشش سراسری واکسیناسیون نوزادان در سالیان گذشته توانسته مانع از اوج‌گیری سرطان ناشی از هپاتیت ب شود؛ اما در مورد هپاتیت سی، لزوم گسترش آزمایش‌های غربالگری و دسترسی به داروهای درمان قطعی همچنان احساس می‌شود.

این نتایج لزوم تغییر استراتژی‌های بهداشتی از «برنامه‌های یکسان کشوری» به سمت «مداخلات منطقه‌ای هدفمند» را آشکار می‌سازد تا منابع محدود درمانی در مناطقی که نیازمندی بیشتری دارند متمرکز گردد.

اهمیت موضوع :

سرطان کبد اغلب بی‌صدا رشد می‌کند و درمان مراحل پیشرفته آن بسیار دشوار است. شناخت دقیق کانون‌های جغرافیایی پرخطر و گروه‌های آسیب‌پذیر، به مدیران سلامت امکان می‌دهد امکانات تشخیصی و درمانی را پیش از تبدیل هپاتیت به بدخیمی‌های کشنده، در جای درست هزینه کنند.

مهمترین نتایج طرح به زبان غیر تخصصی :

سرطان کبد مرتبط با هپاتیت در مردان و افراد بالای پنجاه سال شایع‌تر است و استان‌های غربی و شمال‌غربی کشور بار بیشتری از این بیماری را به دوش می‌کشند. اثرات مثبت واکسیناسیون هپاتیت ب آشکار است؛ اما نجات مبتلایان هپاتیت سی به بیماریابی زودرس و توزیع مناسب داروهای ضدویروسی وابسته است.

موارد کاربرد نتایج طرح :

اولویت‌بخشی به استان‌های با بروز بالا در تخصیص بودجه و تجهیزات بیماری‌های گوارش و کبد، اجرای پوشش‌های بیماریابی هپاتیت در گروه‌های سنی پرخطر، تقویت کلینیک‌های ویژه درمان هپاتیت، و هدایت پژوهش‌های بومی به سمت علل ژنتیکی یا محیطی ناهمگونی شیوع در غرب کشور.

تاثیرات و کاربردهای آن

تاثیر 1: هدایت عادلانه و هدفمند منابع مالی و درمانی نظام سلامت به سمت استان‌های با شیوع بالاتر جهت کاهش شکاف سلامت منطقه‌ای.

تاثیر 2: کاهش میزان مرگ‌ومیر ناشی از مراحل پیشرفته سرطان کبد از طریق تسریع در شناسایی و درمان زودهنگام افراد مبتلا به هپاتیت سی.

محدودیت های شواهد چه بودند؟

این یافته‌ها هیچ پیامد منفی امنیتی یا فرهنگی ندارد؛ تنها باید از برجسب‌زنی منفی به استان‌های پرخطر پرهیز شده و نظام سلامت مراقب باشد تمرکز بر درمان‌های دارویی گران‌قیمت، منجر به کم‌توجهی به پیشگیری اولیه نگردد.

مخاطبان طرح پژوهشی

گیرندگان خدمات سلامت (مردم، بیماران، رسانه‌ها): افراد میانسال و سالمند، مردان و بیماران مبتلا به هپاتیت‌های مزمن (جهت ترغیب به بررسی‌های دوره‌ای کبد).

ارائه کنندگان خدمات سلامت (پزشکان، داروسازان، پرستاران، ماماها و...: متخصصان گوارش و کبد، پزشکان خانواده و کارشناسان مراکز بهداشت (جهت انجام غربالگری هیپاتیت در مناطق پرخطر).

مدیران و سیاستگذاران نظام سلامت (مدیران بیمارستان، دانشگاه، سازمان غذا و دارو، معاونت بهداشتی و...): مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر و غیرواگیر وزارت بهداشت، معاونت‌های بهداشتی دانشگاه‌های علوم پزشکی غرب کشور و سازمان‌های بیمه‌گر (جهت پوشش بیمه‌ای داروهای نوین).

آیا این خبر می‌تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش‌های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟

خیر، تبعات منفی ندارد؛ از نظر بهداشتی، دارویی و دینی با ترویج سلامت و تأمین عادلانه داروهای هیپاتیت همسو است.

تنها از جنبه اجتماعی و منطقه‌ای باید مراقبت شود تا از برجسب‌زنی منفی به استان‌های با شیوع بالاتر پرهیز گردد.

ایمیل ارتباطی و تلفن مجری اصلی طرح:

9131841594

ahmad.raeisi1400@gmail.com

raeisi.ah@skums.ac.ir

منابع و مراجع:

GBD 2019 Diseases and Injuries Collaborators. Global burden of 369 diseases and injuries in 204 –1 countries and territories, 1990–2019: a systematic analysis for the Global Burden of Disease Study 2019. *The Lancet*. 2020;396(10258):1204-1222.

لینک مستقیم: [https://doi.org/10.1016/S0140-6736\(20\)30925-9](https://doi.org/10.1016/S0140-6736(20)30925-9)

Rumgay H, Arnold M, Ferlay J, Lesi O, Cabasag CJ, Vignat J, et al. Global burden of primary –2 liver cancer in 2020 and predictions to 2040. *Journal of Hepatology*. 2022;77(6):1598-1606.

<https://doi.org/10.1016/j.jhep.2022.08.021>

7-- عنوان طرح تحقیقاتی: بررسی ارتباط سواد سلامت و خودکارآمدی درک شده در زمینه رفتارهای پیشگیری کننده از سرطان پروستات در مردان مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهرکرد

تاریخ خاتمه طرح: 1405

کد طرح: 7063

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

مجری اصلی: دکتر فروزان گنجی، دانشیار پزشکی اجتماعی، گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران.

همکاران طرح:

دکتر الهه توسلی: دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران
سبحان مرتضایی: دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران.

عنوان پیام پژوهشی:

ارتقای سواد سلامت و خودکارآمدی؛ راهبردی کلیدی در ترویج رفتارهای پیشگیرانه مردان از سرطان پروستات.

پیام کلیدی:

ارتقای سواد سلامت و تقویت حس خودکارآمدی در مردان، نقشی تعیین کننده در پذیرش و استمرار رفتارهای غربالگری و پیشگیرانه از سرطان پروستات دارد. نتایج نشان می دهد مردانی که از درک سلامت بالاتر و اعتماد به نفس بیشتری در خودمراقبتی برخوردارند، رفتارهای محافظتی بیشتری بروز می دهند؛ بنابراین آموزش های ساده سازی شده سلامت می تواند انگیزه و مشارکت فعال جامعه مردان را در غربالگری به موقع ارتقا بخشد.

پیام پژوهشی:

سرطان پروستات یکی از بیماری های شایع در مردان است که تشخیص زودهنگام آن نقش حیاتی در جلوگیری از پیشرفت بیماری دارد. با این وجود، کمبود آگاهی، پایین بودن سواد سلامت و ضعف اعتماد به نفس فردی اغلب مانع از اقدام به موقع مردان برای غربالگری و مراقبت های پیشگیرانه می شود. این مطالعه با هدف بررسی نقش سواد سلامت و باورهای خودکارآمدی در گرایش مردان به رفتارهای محافظتی در برابر سرطان پروستات در مراکز خدمات جامع سلامت شهرکرد انجام پذیرفت.

یافته های پژوهش نشان داد که برخورداری از سواد سلامت بالاتر و تقویت باورهای خودکارآمدی، ارتباط مستقیمی با تمایل بیشتر مردان به انجام رفتارهای پیشگیرانه و مراقبت های دوره ای دارد. به عبارت دیگر، افرادی که از درک بهتری نسبت به مسائل سلامت برخوردار بودند و به توانایی خود برای صیانت از سلامتشان ایمان داشتند، بسیار فعال تر در برنامه های غربالگری مشارکت کردند. همچنین مشخص شد که عوامل زمینه ای نظیر تحصیلات نقش مهمی در تسهیل درک پیام های بهداشتی و پذیرش رفتارهای مراقبتی ایفا می کنند. این نتایج آشکار می سازد که برای موفقیت در پیشگیری از سرطان پروستات، صرفاً انتقال اطلاعات خام کافی نیست؛ بلکه باید برنامه های آموزشی را به گونه ای طراحی کرد که ضمن انطباق با سطح درک مخاطبان، مهارت های عملی و اعتماد به نفس فردی را در مردان برای انجام مراقبت های بهداشتی ارتقا دهد.

اهمیت موضوع:

سرطان پروستات به دلیل ماهیت پنهان در مراحل اولیه، نیازمند غربالگری زودهنگام است. ارتقای سواد سلامت و باورهای خودکارآمدی، مردان را از مرحله آگاهی به اقدام عملی سوق داده و با شناسایی زودهنگام، هزینه‌های سنگین درمانی و عوارض پیشرفته بیماری را به حداقل می‌رساند.

مهمترین نتایج طرح به زبان غیر تخصصی:

اجرای غربالگری گسترده در صورت عدم آمادگی زیرساخت‌های آزمایشگاهی و ارجاع تخصصی در سطح شهرستان، ممکن است موجب ایجاد نگرانی روانی کاذب و تحمیل بار مراجعات غیرضروری به پزشکان متخصص شود؛ لذا آموزش‌ها باید مبتنی بر پروتکل‌های استاندارد غربالگری سنین هدف باشد.

موارد کاربرد نتایج طرح:

طراحی برنامه‌ها و کارگاه‌های آموزشی ارتقای سلامت مردان در مراکز خدمات جامع سلامت و پایگاه‌های بهداشت، تدوین راهنماهای خودمراقبتی ساده‌سازی شده برای جامعه، تولید محتوای رسانه‌ای هدفمند در پوشش‌های سلامت مردان، و بازنگری در شیوه مشاوره مراقبان سلامت جهت افزایش انگیزه مردان میانسال برای شرکت در برنامه‌های غربالگری.

تاثیرات و کاربردهای آن

تاثیر 1: افزایش آگاهی، رفع تردیدهای رفتاری و تقویت باور «توانستن» در مردان جهت مراجعه فعالانه و منظم به مراکز بهداشتی برای بررسی‌های دوره‌ای سلامت پروستات.

تاثیر 2: هدایت سیاست‌گذاری‌های بهداشتی به سوی ساده‌سازی مفاهیم پزشکی و بومی‌سازی آموزش‌ها متناسب با درک اقشار مختلف جامعه، که منجر به کاهش موارد شناسایی دیرهنگام بیماری و هزینه‌های سنگین درمانی خواهد شد.

محدودیت‌های شواهد چه بودند؟

تک‌مرکزی بودن و محدودیت جغرافیایی مطالعه به شهر شهرکرد که تعمیم نتایج به کل جامعه یا مناطق روستایی با بافت متفاوت را محتاطانه می‌سازد، استفاده از ابزار خودگزارش‌دهی و تکمیل پرسشنامه توسط خود افراد (که ممکن است با سوگیری تمایل اجتماعی یا خطا در یادآوری همراه باشد)، و ماهیت مقطعی بررسی که صرفاً همبستگی بین عوامل را نشان می‌دهد و امکان اثبات رابطه علت و معلولی قطعی را فراهم نمی‌کند.

مخاطبان طرح پژوهشی

گیرندگان خدمات سلامت (مردم، بیماران، رسانه‌ها): مردان بالای ۴۰ سال، خانواده‌ها و تشکلهای مردمی سلامت مردان.
ارائه‌کنندگان خدمات سلامت (پزشکان، داروسازان، پرستاران، ماماها و...): پزشکان خانواده، مراقبان سلامت در مراکز بهداشت، کارشناسان آموزش بهداشت و پرستاران درمانگاه‌های ارولوژی.
مدیران و سیاستگذاران نظام سلامت (مدیران بیمارستان، دانشگاه، سازمان غذا و دارو، معاونت بهداشتی و...): معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی، اداره پیشگیری از بیماری‌های غیرواگیر، و مدیران سازمان‌های کار و تأمین اجتماعی.

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟

این طرح با شکستن تابوهای فرهنگی، گامی مثبت برای ارتقای سلامت عمومی است؛ مشروط بر آنکه با اطلاع رسانی دقیق، موجب اضطراب کاذب در جامعه یا ترغیب به درمان های خودسرانه و غیرمجاز نشود.

ایمیل ارتباطی و تلفن مجری اصلی طرح:

9133842850

foruzan2000@yahoo.co.in

ganji.f@skums.ac.ir

منابع و مراجع:

Berkman ND, Sheridan SL, Donahue KE, Halpern DJ, Crotty K. Low health literacy and health outcomes: 1- an updated systematic review. *Annals of Internal Medicine*. 2011;155(2):97-107.

لینک مستقیم: <https://doi.org/10.7326/0003-4819-155-2-201107190-00005>

Kratzer TB, Bandi P, Sauer AG, Jemal A, Siegel RL. Prostate cancer statistics, 2025. *CA: A Cancer Journal for Clinicians*. 2025.

لینک مستقیم: <https://doi.org/10.3322/caac.70028>

8-- عنوان طرح تحقیقاتی:

مقایسه‌ی الگوی سبک زندگی زنان با سابقه سقط خودبه‌خودی و زنان بدون سابقه سقط خودبه‌خودی در شهر شهرکرد در سال ۱۴۰۳-۱۴۰۲

تاریخ خاتمه طرح: 1405

کد طرح: 6945

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

مجری اصلی: فرشته راستی بروجنی؛ کارشناس ارشد مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهرکرد، شهرکرد، ایران .

همکاران :

دکتر علی ضامن صالحی فرد؛ استادیار، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهرکرد، شهرکرد، ایران

فرنگیس شریفی؛ مربی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهرکرد، شهرکرد، ایران.

دکتر هادی رئیسی شهرکی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهرکرد، شهرکرد، ایران.

محدثه قاندي ارجنكي؛ دانشكده پرستاري و مامايي، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهرکرد، شهرکرد، ایران.

عنوان پیام پژوهشی: بررسی پیوند شیوه‌های زندگی روزمره با تجربه افتادن ناخواسته بارداری و نقش سلامت دهان، دندان و روان.

پیام کلیدی:

بررسی‌ها نشان داد شیوه کلی زندگی روزمره در زنانی که سابقه از دست دادن خودبه‌خودی بارداری داشته‌اند با سایر بانوان یکسان و در حد متوسط است. بنابراین وقوع این پیشامد ناگوار را نباید صرفاً به کم‌کاری فرد در روال کلی روزمره نسبت داد و مایه سرزنش مادر شد. با این حال، رسیدگی بهتر به سلامت دهان، دندان، گوش و چشم، همراه با برنامه استراحت، آرامش روانی و تفریح، می‌تواند در پیشگیری از آسیب‌ها کارساز باشد.

پیام پژوهشی:

یکی از سخت‌ترین رخدادهای دوران بارداری، از دست رفتن ناخواسته جنین است که در بسیاری از مواقع بدون دلیل مشخص پزشکی روی می‌دهد و حس عذاب وجدان یا سرزنش را برای مادر به همراه دارد. به همین دلیل بررسی شد که آیا عادات روزمره مانند نوع خوردوخوراک، خواب، جنب‌وجوش بدنی و شیوه‌های رسیدگی به خود در بانوانی که این تجربه ناخوشایند را پشت سر گذاشته‌اند، تفاوت چشمگیری با سایرین دارد یا خیر. یافته‌ها نشان داد که روال عمومی و سبک کلی زیست هر دو گروه شباهت زیادی به هم داشته و همگی از سطح متوسطی

برخوردارند؛ از این رو نباید افتادن بارداری را نشانه ناتوانی یا کم کاری زن در اداره عادات روزانه دانست. با وجود یکسانی نمره کلی، زنانی که این پیشامد تلخ را تجربه کرده بودند از نظر سلامت دهان، دندان و مراقبت های پایه شنوایی و بینایی وضعیت ضعیف تری داشتند و نیاز به رسیدگی بیشتری نشان می دادند. در مقابل، این افراد به ورزش یا پیاده روی توجه بیشتری نشان داده بودند که به نظر می رسد نوعی واکنش و تلاش پس از رخداد برای بهبود تندرستی بوده است. همچنین در این گروه فرصت تفریح و استراحت کمتر به چشم می خورد که نشان دهنده بار روانی و فشارهای پس از واقعه است. این پژوهش یادآوری می کند که آموزش های پیش از فرزندآوری باید به جای سرزنش مادر، بر کاهش دغدغه های ذهنی و بهبود معاینات پزشکی تمرکز داشته باشد.

اهمیت موضوع:

از دست رفتن ناخواسته بارداری عارضه ای شایع است که بار سنگین اندوه و خودسرزنی را بر دوش خانواده می گذارد. شناخت عادات های روزمره مایه آرامش روانی زوجین، زدودن احساس گناه، اصلاح الگوهای نادرست بهداشتی پیش از آغاز بارداری و راهنمایی کارشناسان سلامت برای ارائه آموزش های کارآمد و هدفمند می شود.

مهمترین نتایج طرح:

نمره کلی عادات زندگی در هر دو گروه بانوان یکسان و در اندازه میانه ارزیابی شد. تفاوت مهم در این بود که بانوان با پیشینه از دست رفتن جنین، رسیدگی کمتری به سلامت دندان و دهان داشتند و وقت کمتری را برای سرگرمی و رهایی از تنش های فکری می گذاشتند، هرچند که در انجام ورزش و پیاده روی منظم پیگیرتر نشان دادند.

موارد کاربرد نتایج طرح:

یافته های این کار علمی می تواند در مشاوره های پیش از بارداری در خانه های بهداشت و پایگاه های سلامت شهری، دوره های آموزشی زوج ها، راهنمایی های بالینی ماماها و پزشکان خانواده، و همچنین تدوین برنامه های سلامت دهان و دندان و مشاوره های روان شناختی پیش از فرزندآوری توسط مدیران معاونت بهداشتی به کار بسته شود.

تاثیرات و کاربردهای آن

تاثیر 1: کمک به رهایی مادران از بار احساس گناه و اضطراب پس از رخداد سقط، با تکیه بر این که وقوع این عارضه بازتاب نقص در شیوه کلی زندگی آنان نبوده است.

تاثیر 2: هدایت مراقبت های پیش از بارداری به سوی ارزیابی های دهان، دندان و روان شناختی به جای اکتفا به توصیه های کلیشه ای و مبهم تغذیه ای.

محدودیت های شواهد چه بودند؟

گردآوری پاسخ‌ها با پرسش‌نامه خودگزارش‌دهی انجام گرفت که ممکن است یادآوری خاطرات گذشته را با اندکی خطا همراه کند؛ همچنین مقطعی بودن پژوهش، بررسی شیوه زندگی پس از وقوع واقعه و عدم پیگیری طولانی‌مدت افراد تا زایمان بعدی از موانع تعمیم گسترده نتایج است.

مخاطبان طرح پژوهشی

گیرندگان خدمات سلامت (مردم، بیماران، رسانه‌ها): مادران، زنان در سنین باروری، همسران، خانواده‌ها و رسانه‌های عمومی سلامت محور.

ارائه‌کنندگان خدمات سلامت (پزشکان، داروسازان، پرستاران، ماماها و...: ماماها در مراکز جامع سلامت، متخصصان زنان و زایمان، دندان‌پزشکان، روان‌شناسان بالینی و مراقبان سلامت خانواده.

مدیران و سیاستگذاران نظام سلامت (مدیران بیمارستان، دانشگاه، سازمان غذا و دارو، معاونت بهداشتی و...): معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی، مدیران گروه‌های سلامت خانواده، جمعیت و مدارس و طراحان بسته‌های مشاوره‌ای پیش از بارداری.

آیا این خبر می‌تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش‌های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟

خیر، این گزارش پیامد منفی سیاسی، فرهنگی یا دینی ندارد؛ بلکه با زدودن سرزنش مادر و تاکید بر مراقبت‌های دندان‌پزشکی و بهداشت روان، به سیاست‌های کلی حمایت از خانواده و فرزندآوری سالم یاری می‌رساند.

ایمیل ارتباطی و تلفن مجری اصلی طرح:

9131845915 drfrasti@gmail.com rasti.f@skums.ac.ir

منابع و مراجع:

Magnus MC, Hockey RL, Håberg SE, Mishra GD. (2022). Pre-pregnancy lifestyle characteristics and risk –1 of miscarriage: the Australian Longitudinal Study on Women's Health. *BMC Pregnancy and Childbirth*, 22, 169. لینک مستقیم و در دسترس: <https://link.springer.com/article/10.1186/s12884-022-04482-9>

Buck Louis GM, Sapra KJ, Schisterman EF, Lynch CD, Maisog JM, Grantz KL, Sundaram R. (2016). –2 Lifestyle and pregnancy loss in a contemporary cohort of women recruited before conception: The LIFE Study. *Fertility and Sterility*, 106(1), 180-188. لینک در پاب‌مد: <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/27016035/>

9-- عنوان طرح تحقیقاتی: بررسی ارتباط بین انگ (تعارض کار و مادری) و قصد باروری در زنان شاغل واحدهای دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

تاریخ خاتمه طرح: 1405

شماره طرح: 7090

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

مجری اصلی: دکتر سید کمال صولتی، متخصص روان پزشکی، گروه آموزشی روان پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهرکرد، شهرکرد، ایران .

همکاران طرح :

دکتر فروزان گنجی: متخصص پزشکی اجتماعی، گروه آموزشی پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهرکرد، شهرکرد، ایران.

اکبر ایمرپور: کارآموز/دستیار پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهرکرد، شهرکرد، ایران.

دکتر فرانک صفدری: دکترای تخصصی بهداشت باروری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهرکرد، شهرکرد، ایران.

عنوان پیام پژوهشی:

دوراهی اشتغال و مادری؛ چگونه فشار نقش ها انگیزه فرزندآوری زنان شاغل را کم رنگ می کند؟

پیام کلیدی:

بسیاری از زنان شاغل در هماهنگ کردن مسئولیت های شغلی و وظایف مادری دچار کشمکش درونی و احساس نگرانی می شوند. این فشار فکری و ترس از قضاوت اطرافیان سبب می شود تمایل کمتری برای داشتن فرزند یا افزایش تعداد فرزندان داشته باشند. برای حل این چالش، نیازمند محیط های کاری منعطف، حمایت های شغلی اطمینان بخش و مشاوره های دلگرم کننده متناسب با سن و موقعیت تحصیلی این بانوان هستیم تا مسیر مادر شدن با آرامش بیشتری همراه شود.

پیام پژوهشی:

امروزه بخش مهمی از جامعه را زنان شاغل و تحصیل کرده تشکیل می دهند که همزمان آرزوی پیشرفت در کار و داشتن خانواده ای آرام و فرزندان سالم را در دل دارند. با این حال، مسئولیت های سنگین کاری در کنار انتظارات بالای جامعه از وظایف مادری، شرایط دشواری را پدید آورده است. هنگامی که یک زن شاغل احساس کند مادر شدن به جایگاه حرفه ای اش آسیب می زند، از نگاه مدیران بازدهی کمتری خواهد داشت یا به دلیل مشغله شغلی نمی تواند مادر شایسته ای باشد، دچار فشار روانی و نگرانی عمیقی می شود.

یافته‌ها نشان می‌دهد زنانی که این کشمکش و نگرانی را بیشتر در زندگی خود تجربه می‌کنند، به‌طور محسوسی تمایل کمتری برای فرزندآوری دارند. این موضوع بیانگر آن است که تصمیم برای به دنیا آوردن فرزند صرفاً وابسته به خواست قلبی نیست؛ بلکه تا حد زیادی به احساس امنیت شغلی، آرامش ذهنی و نبود ترس از قضاوت بازمی‌گردد.

از این رو، ایجاد تعادل میان کار و زندگی برای بانوان شاغل اهمیت اساسی دارد. با برنامه‌ریزی‌های حمایتی از جمله مرخصی‌های با امنیت شغلی کامل، فراهم کردن مهدکودک در نزدیکی محل خدمت و همراهی همسران و مدیران، می‌توان بار سنگین این کشمکش را سبک کرد و امید به آینده خانواده را افزایش داد.

اهمیت موضوع :

حفظ نشاط جامعه در گرو حمایت از خانواده است. تا زمانی که زنان شاغل احساس امنیت شغلی و آرامش ذهنی نداشته باشند، هشدارهای جمعیتی نتیجه‌بخش نخواهد بود. درک دغدغه‌های مادری این بانوان، زمینه ساختن جامعه‌ای شاداب‌تر و خانواده‌هایی امیدوارتر را فراهم می‌سازد.

مهمترین نتایج:

بیشتر بانوان شاغل شرکت‌کننده در این پژوهش تمایل اندکی برای آوردن فرزند داشتند. کسانی که کشمکش و سردرگمی شدیدتری میان وظایف کاری و مسئولیت‌های مادری تجربه می‌کردند، به‌مراتب بیشتر از دیگران از فرزندآوری صرف‌نظر کرده یا آن را به تأخیر می‌انداختند. همچنین مشخص شد سن بانوان و سطح تحصیلات آنان در تصمیم‌گیری برای فرزندآوری نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

موارد کاربرد نتایج طرح :

این دستاوردها می‌تواند راهنمای مدیران منابع انسانی در ایجاد شرایط منعطف کاری، ساعات کار شناور و کاهش فشارهای روانی بر مادران شاغل باشد. کارشناسان مراکز مشاوره خانواده و بهداشت می‌توانند بر پایه این یافته‌ها، جلسات گفت‌وگوی آرامش‌بخش برای زوج‌های جوان تدارک ببینند و مشاوره‌هایی اختصاصی با توجه به سن و پایه تحصیلی بانوان ارائه کنند تا اضطراب نقش مادری کاهش یابد.

تأثیرات و کاربردهای آن

تأثیر 1: افزایش امنیت شغلی و آرامش روانی مادران شاغل از طریق اجرای قوانین حمایتی و ایجاد تسهیلاتی مانند مهدکودک در محیط‌های اداری.

تأثیر 2: تقویت همدلی درون خانواده و همراهی بیشتر همسران در تقسیم وظایف منزل، که به کاهش احساس خستگی و نگرانی زنان کمک می‌کند.

محدودیت‌های شواهد چه بودند؟ این پژوهش تنها بر روی کارکنان زن مراکز دانشگاهی و اداری شهرکرد انجام شده و ممکن است شرایط برای زنانی که در مشاغل آزاد یا بخش‌های خصوصی با ساعت‌های کار متفاوت مشغول‌اند، تفاوت‌هایی داشته باشد. همچنین اطلاعات بر اساس نظرات ثبت‌شده در فرم‌های نظرسنجی جمع‌آوری شده که ممکن است احوال روزمره افراد بر پاسخ‌ها اثر گذاشته باشد.

مخاطبان طرح پژوهشی

- گیرندگان خدمات سلامت (مردم، بیماران، رسانه ها): بانوان شاغل، همسران، دختران در آستانه ازدواج و عموم خانواده‌ها.
 - ارائه کنندگان خدمات سلامت (پزشکان، داروسازان، پرستاران، ماماها و....: کارشناسان بهداشت باروری، ماماها، مشاوران سلامت روان و پزشکان خانواده.
 - مدیران و سیاستگذاران نظام سلامت (مدیران بیمارستان، دانشگاه، سازمان غذا و دارو، معاونت بهداشتی و...): مدیران منابع انسانی ادارات، مسئولان سلامت جمعیت دانشگاه‌ها و سیاست‌گذاران امور رفاهی و اجتماعی.
- آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟

اجتماعی : بهبود جایگاه اجتماعی مادران شاغل و از بین رفتن باورهای نادرستی که اشتغال زن را مانع تربیت صحیح فرزند می‌دانند .

• فرهنگی : ترویج فرهنگ تقسیم عادلانه مسئولیت‌های تربیتی و خانه‌داری میان زن و مرد .

• اقتصادی و بهداشتی : جلوگیری از فرسودگی شغلی بانوان و تضمین نیروی کار بانگیزه و سالم در کنار داشتن فرزندان شاداب.

ایمیل ارتباطی و تلفن مجری اصلی طرح:

9133810718 kamal_solati@yahoo.com k.solati@skums.ac.ir

منابع و مراجع:

عوامل مؤثر بر تمایل به فرزندآوری در زنان مراجع به مراکز بهداشتی (ایازی و همکاران، ۱۳۹۹):

1. Ayazi R, Amini L, Montazeri A, Haghani S. Factors related to childbearing willingness in women attending health centers in Arak, Iran. *Iran Journal of Nursing*, 2021; 34(130): 15-24. لینک مستقیم با

شناسه DOI:

<https://doi.org/10.52547/ijn.34.130.15>

10-- عنوان طرح تحقیقاتی:

اثربخشی برنامه آموزشی گروهی والد محور بر خودکارآمدی مادران در انتظار فرزند اول

تاریخ خاتمه طرح: 1405

شماره طرح: 7117

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

مجری اصلی :

دکتر فرانک صفدری - مرکز تحقیقات پرستاری و مامایی جامعه نگر ، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد ، ایران

همکاران :

دکتر فرنگیس شریفی - دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد ، ایران

دکتر سلیمان خیری - دانشکده بهداشت ، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد ، ایران

نرجس خاتون دادخواه - دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد ، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

آموزش گروهی والدین؛ راهی برای افزایش آرامش و توانمندی مادران در انتظار نخستین فرزند

پیام کلیدی:

برگزاری دوره‌های آموزش و گفت‌وگوی گروهی برای پدران و مادرانی که در انتظار نخستین فرزند خود هستند، احساس توانایی و اعتماد به نفس مادر را در مراقبت از نوزاد به شکل چشمگیری بیشتر می‌کند. این آموزش‌ها باعث می‌شوند مادران ترس‌ها و نگرانی‌های خود را راحت‌تر بیان کنند، در کنار همسرشان برای پذیرش مسئولیت‌های تازه آماده شوند و آغاز زندگی با فرزند را با آرامش، شادکامی بیشتر و دلهره کمتر تجربه نمایند.

پیام پژوهشی:

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد وقتی مادران همراه با همسرانشان در جلسات آموزشی گروهی شرکت می‌کنند، فرصتی پیدا می‌کنند تا با تغییرات این دوره، نیازهای اساسی نوزاد و شیوه‌های درست تقسیم کارهای خانه و مراقبت آشنا شوند. گفتگو با دیگر والدینی که شرایط

مشابهی دارند، حس تنهایی و دلهره را از بین می‌برد و احساس کاربلدی و تسلط مادر را تا حد زیادی تقویت می‌کند. حضور پدر در این جلسات نیز فضای خانه را پر از همراهی و دلگرمی کرده و تنش‌های روزهای آغازین پس از تولد نوزاد را به طور چشمگیری کاهش می‌دهد.

اهمیت موضوع :

آغاز زندگی با فرزند اول همواره همراه با نگرانی و سردرگمی است. افزایش آگاهی و آرامش مادر نه تنها سلامت روحی او را در دوران بارداری و پس از تولد نوزاد تضمین می‌کند، بلکه پایه‌گذار رشد سالم و آرامش روانی کودک و استحکام کانون خانواده خواهد بود.

مهمترین نتایج طرح به زبان غیر تخصصی :

مادرانی که در جلسات آموزشی گروهی والدینی شرکت کردند، احساس تسلط و توانمندی بسیار بالاتری در مراقبت از کودک پیدا کردند. این مادران نسبت به قبل شادتر بودند، رضایت بیشتری از همراهی همسرشان داشتند و استرس، خستگی روحی و نگرانی‌های ناشی از مادری در آن‌ها به شکل چشمگیری کمتر بود.

موارد کاربرد نتایج طرح :

این برنامه می‌تواند در قالب جلسات مشاوره و آمادگی در پایگاه‌های بهداشت، درمانگاه‌ها، بیمارستان‌ها و کلاس‌های پیش از تولد اجرا شود. ماماها، کارشناسان سلامت و روان‌شناسان خانواده می‌توانند با کمک این آموزش‌های ساده، زوج‌های جوان را پیش از تولد فرزند آماده و توانمند سازند.

تاثیرات و کاربردهای آن

تاثیر 2: بهبود روابط عاطفی زن و شوهر، افزایش همکاری پدر در امور نوزاد و کاهش اختلافات و افسردگی‌های پس از زایمان در خانواده.

تاثیر 1: افزایش تاب‌آوری، آرامش درونی و اعتماد به نفس مادران در برابر مسئولیت‌های جدید فرزندپروری.

محدودیت‌های شواهد چه بودند؟

این پژوهش تنها بر روی مادرانی اجرا شده است که در انتظار نخستین فرزند خود بوده‌اند و در کلاس‌های آمادگی حضور یافته‌اند؛ بنابراین تعمیم آن به مادرانی که تجربه فرزند قبلی دارند یا به امکانات آموزش‌های حضوری دسترسی ندارند باید با احتیاط صورت گیرد.

مخاطبان طرح پژوهشی:

گیرندگان خدمات سلامت (مردم، بیماران، رسانه‌ها): مادران باردار نخست‌زا، پدران، زوج‌های جوان و خانواده‌های در آستانه فرزندآوری.

ارائه‌کنندگان خدمات سلامت (پزشکان، داروسازان، پرستاران، ماماها و...): ماماها، پرستاران بخش مادر و کودک، مشاوران سلامت باروری و مربیان کلاس‌های زایمان.

مدیران و سیاستگذاران نظام سلامت (مدیران بیمارستان، دانشگاه، سازمان غذا و دارو، معاونت بهداشتی و...): مدیران شبکه‌های بهداشت و درمان، سیاست‌گذاران سلامت خانواده و برنامه‌ریزان جمعیت دانشگاه علوم پزشکی

آیا این خبر می‌تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش‌های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟

بررسی تبعات اجتماعی، فرهنگی، دینی، دارویی یا سیاسی: این برنامه پیوندهای خانوادگی را تقویت کرده، با آموزش‌های غیردارویی بار فشارهای روانی را از دوش مادران برمی‌دارد و با کاهش ترس از سختی‌های فرزندپروری، نقشی مثبت و امیدبخش در ترویج فرزندآوری سالم و حفظ ارزش‌های خانواده دارد.

ایمیل ارتباطی و تلفن مجری اصلی طرح:

9131820434 faranaksafdari@gmail.com safdari@skums.ac.ir

منابع و مراجع:

1. (Chan, S. W. C. (2014 & ,Gao, L. L., Sun, K.)

The effects of an interpersonal-psychotherapy-oriented childbirth education programme for Chinese first-time childbearing women at 3 months post-partum. *International Journal of Nursing Studies*, 51(3), 356-365. [لینک مستقیم به پایگاه ScienceDirect / ژورنال](#)

2. (He, H. G. (2015 & ,Shorey, S., Chan, S. W. C., Chong, Y. S.)

A randomized controlled trial of the Perinatal Maternal Health Promotion Program in enhancing parenting self-efficacy among first-time mothers. *International Journal of Nursing Studies*, 52(6), 1073-1083. [لینک مستقیم به پایگاه ScienceDirect / ژورنال](#)

3. (Hallström, I. K. (2016 & ,Entsieh, A. A.)

First-time parents' prenatal needs for early parenthood preparation—A systematic review and meta-synthesis of qualitative studies. *Midwifery*, 39, 1-11. [لینک مستقیم به پایگاه ScienceDirect / ژورنال](#)

11-- عنوان طرح تحقیقاتی:

بررسی میزان آگاهی و اقدامات پیشگیرانه از عفونت‌های ویروس هپاتیت B ، C و D در کارگران خدماتی بیمارستان‌های آموزشی هاجر (س) و آیت‌الله کاشانی شهرکرد

تاریخ خاتمه طرح: 1405 شماره طرح: 7217

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

مجری اصلی: ملیکا دهقانی — کارشناس علوم آزمایشگاهی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد ، شهرکرد، ایران.

همکاران طرح:

دکتر کبری مختاریان — عضو هیئت علمی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران.

دکتر غلامرضا مبینی — عضو هیئت علمی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران.

مسعود حفیظی اصفهانی — دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران.

سید امیر وحید بال افکن — دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران.

زهره احمدی — دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران.

فاطمه‌السادات علوی — دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران.

عنوان پیام پژوهشی:

شناخت کارگران خدماتی بیمارستان از بیماری‌های کبدی ناشی از ویروس‌ها اندک است؛ آموزش، بهترین راه نجات و ایمنی آن‌هاست

پیام کلیدی:

نیروهای خدماتی بیمارستان‌ها هر روز در حال جابه‌جایی زباله‌های آلوده، نظافت اتاق بیماران و شست‌وشو هستند و اگر سوزن یا وسیله آلوده دستشان را زخمی کند، در خطر جدی ابتلا به بیماری‌های عفونی کبد قرار می‌گیرند. این بررسی نشان داد که بیشتر این افراد اطلاعات بسیار کمی از این بیماری‌ها و راه‌های سرایت آن دارند؛ اما هرچه یک کارگر آگاهی و شناخت بیشتری پیدا کند، موقع کار نکات ایمنی را بهتر رعایت می‌کند. بنابراین برگزاری کلاس‌های آموزشی ساده، تزریق واکسن محافظتی و دادن دستکش و وسایل ایمنی مناسب، جان این عزیزان را نجات می‌دهد.

پیام پژوهشی:

بیماری‌های ویروسی کبد (معروف به هپاتیت) می‌توانند باعث آسیب‌های شدید و جبران‌ناپذیر به کبد شوند. در بیمارستان‌ها، بیشترین توجه همیشه به پزشکان و پرستاران است، در حالی که کارگران زحمتکش خدمات به‌دلیل تمیز کردن آلودگی‌ها و جمع‌آوری پسماندها، درست مثل کادر درمان در خطرند و تماس ناخواسته با خون یا فرورفتن سوزن در دست، آن‌ها را تهدید می‌کند.

در این پژوهش وضعیت آگاهی و رفتارهای ایمنی کارکنان خدماتی دو بیمارستان هاجر و کاشانی شهرکرد با پرسشنامه‌های گفتگو محور بررسی شد. نتایج نشان داد که سطح اطلاعات و دانش این کارگران درباره چگونگی سرایت این ویروس‌ها و راه‌های مراقبت از خود، در سطح پایینی قرار دارد و هیچ‌کدام از آن‌ها اطلاعات کافی و کاملی نداشتند. همچنین بیش از یک‌سوم این افراد در انجام کارهای روزمره خود نکات ایمنی را به‌طور کامل رعایت نمی‌کردند.

خبر امیدوارکننده این بود که مشخص شد هر کارگری که اطلاعات بیشتری به دست می‌آورد، خودبه‌خود محتاط‌تر عمل می‌کند، دستکش می‌پوشد و زباله‌ها را با احتیاط جمع می‌کند. پس با آموزش‌های مستمر و قابل‌فهم، در اختیار گذاشتن وسایل مراقبتی و تکمیل واکسیناسیون، می‌توان به سادگی محیط کار را برای این قشر پرتلاش امن کرد.

اهمیت موضوع :

کارگران خدماتی نگهبانان پاکیزگی بیمارستان هستند. اگر این افراد به بیماری‌های واگیردار کبد دچار شوند، بیماری می‌تواند به سایر مراجعان و حتی خانواده‌های خودشان سرایت کند. جبران این کمبود آگاهی، بسیار آسان و کم‌هزینه است و جلوی هزینه‌های سنگین درمانی آینده را می‌گیرد.

مهمترین نتایج:

هیچ‌یک از کارگران خدماتی مورد بررسی، شناخت خوب و کاملی از بیماری‌های ویروسی کبد نداشتند و نیمی از آن‌ها اطلاعاتشان بسیار ضعیف بود. همچنین رفتارهای محافظتی بخش قابل‌توجهی از آنان ضعیف ارزیابی شد؛ اما ثابت شد آموزش و یادگیری بیشتر، مستقیماً باعث رعایت بهتر اصول ایمنی و کاهش خطر در محیط کار می‌شود.

موارد کاربرد نتایج طرح :

برگزاری کارگاه‌های آموزش ایمنی و راه‌های انتقال بیماری برای کارگران بدو استخدام و دوره‌ای.

پیگیری تزریق واکسن هپاتیت برای کلیه کارگران و کنترل اثربخشی آن.

تجهیز کارگران به دستکش‌های ضخیم و وسایل محافظتی مناسب کار با زباله‌های بیمارستانی.

تدوین راهنماهای تصویری و ساده برای نحوه اقدام فوری در زمان بریدگی دست با وسایل نوک‌تیز.

تاثیرات و کاربردهای آن:

تأثیر 1: برگزاری دوره‌های آموزشی مستمر درباره راه‌های سرایت بیماری و رفتار صحیح هنگام فرورفتن سوزن در دست، سبب افزایش چشمگیر رفتارهای ایمن در میان کارگران خدماتی می‌شود.

تأثیر 2: ارتقای مراقبت‌های بهداشتی، اجباری‌شدن استفاده از وسایل حفاظت فردی مناسب و تکمیل واکسیناسیون کارگران، خطر ابتلا به بیماری‌های عفونی شغلی و هزینه‌های درمانی بعدی را مهار می‌کند.

محدودیت‌های شواهد چه بودند؟

پژوهش فقط در میان نیروهای خدماتی دو بیمارستان آموزشی شهرکرد انجام شده و تعداد افراد محدود بوده است. همچنین در ابتدا نگرانی‌هایی بابت زمان مصاحبه وجود داشت که با حضور حضوری و راهنمایی شفاهی پژوهشگر برطرف شد.

مخاطبان طرح پژوهشی:

گیرندگان خدمات سلامت (مردم، بیماران، رسانه‌ها): کارگران و نیروهای خدماتی بیمارستان‌ها، خانواده‌های آنان و بیماران بستری.

ارائه‌کنندگان خدمات سلامت (پزشکان، داروسازان، پرستاران، ماماها و...: کارشناسان کنترل عفونت، مسئولان بهداشت حرفه‌ای و پرستاران مسئول ایمنی بخش‌ها.

مدیران و سیاستگذاران نظام سلامت (مدیران بیمارستان، دانشگاه، سازمان غذا و دارو، معاونت بهداشتی و...): مدیریت و ریاست بیمارستان‌ها، مسئولان خدمات پشتیبانی، معاونت درمان و معاونت تحقیقات دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد.

آیا این خبر می‌تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش‌های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟

خیر، این گزارش هیچ‌گونه تبعات منفی، تعارض با ارزش‌های دینی یا مشکلات قانونی ندارد. صرفاً جنبه آگاهی‌بخشی، حمایتی و ارتقای بهداشت دارد و نشان‌دهنده لزوم مراقبت از سلامت و کرامت قشر زحمتکش کارگری است.

ایمیل ارتباطی و تلفن مجری اصلی طرح:

09929035208

melika83dhghan@gmail.com

منابع و مراجع:

1. (Jose-Abrego, A., et al. (2023). *Host and HBV Interactions and Their Potential Impact on Clinical Outcomes*. Pathogens, 12(9), 1146.

لینک مستقیم <https://doi.org/10.3390/pathogens12091146>

۲. *Screening and Testing for Hepatitis B Virus*. (Centers for Disease Control and Prevention (CDC - 2023).
MMWR Recomm Rep .Infection: CDC Recommendations

لینک مستقیم <https://www.cdc.gov/mmwr/volumes/72/rr/rr7201a1.htm>

۳. *Workplace Transmission & Hepatitis B Key Facts*. (World Health Organization (WHO - 2024).
لینک مستقیم <https://www.who.int/news-room/fact-sheets/detail/hepatitis-b>

12-- عنوان طرح تحقیقاتی: طراحی، اجرا و ارزشیابی پیام‌های آموزشی مرتبط با رفتارهای پیشگیری‌کننده از بیماری‌های قلبی عروقی مبتنی بر مدل فرایند موازی توسعه‌یافته در قالب انیمیشن در دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه اول شهرکرد (مگاپروژه قلب - F)

تاریخ خاتمه طرح: 1405

شماره طرح: 7154

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

مجری اصلی: دکتر الهه توسلی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهرکرد، شهرکرد، ایران.

همکاران طرح

۱: دکتر معصومه علیدوستی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهرکرد، شهرکرد، ایران.

۲: دکتر ارسلان خالدی‌فر، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهرکرد، شهرکرد، ایران.

۳: دکتر پرستو یارمحمدی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهرکرد، شهرکرد، ایران.

عنوان پیام پژوهشی:

انیمیشن آموزشی، راهکاری جذاب برای تشویق نوجوانان به سبک زندگی سالم و محافظت از سلامت قلب

پیام کلیدی:

آموزش از طریق انیمیشن‌های جذاب و متناسب با سن نوجوانان، آگاهی دانش‌آموزان درباره خطرات عادت‌های ناسالم را بالا می‌برد، انگیزه و توانایی مراقبت از سلامت قلب را در آن‌ها تقویت می‌کند و موجب پایبندی بهتر به رفتارهای پیشگیرانه می‌شود.

پیام پژوهشی:

عادات‌های روزمره مثل تغذیه نامناسب، کم‌حرکی و رفتارهای نادرست ریشه بسیاری از بیماری‌های مهم بزرگسالی، از جمله مشکلات قلبی هستند؛ عاداتی که اغلب در دوران نوجوانی شکل می‌گیرند. آموزش‌های معمول و سخنرانی‌محور در مدارس معمولاً جذابیت کافی برای جذب و اثرگذاری روی دانش‌آموزان ندارند. این طرح نشان داد ساخت یک انیمیشن داستانی کوتاه، جذاب و متناسب با دنیای نوجوانان می‌تواند به آن‌ها یاد دهد که خطر بیماری‌های قلبی واقعی است، اما در عین حال راه‌های مراقبت از خود بسیار ساده و دست‌یافتنی هستند. نمایش این محتوای جذاب تصویری در مدارس، دانش‌آموزان را به فکر وادار کرد و باعث شد باور کنند توانایی محافظت از سلامت خود را دارند و می‌توانند با انتخاب‌های روزمره بهتر، قلبی سالم‌تر داشته باشند.

اهمیت موضوع :

مشکلات قلبی از شایع‌ترین علل بیماری در جهان هستند. ایجاد عادات‌های سالم از سنین نوجوانی در مدارس، کم‌هزینه‌ترین و مؤثرترین راه برای داشتن نسلی سالم در آینده است.

مهمترین نتایج:

دانش‌آموزانی که انیمیشن آموزشی را تماشا کردند، خطرات سبک زندگی نامناسب را بهتر شناختند، حس مسئولیت‌پذیری بیشتری نسبت به سلامت خود پیدا کردند و انگیزه و انجام رفتارهای سالم در آن‌ها نسبت به قبل بیشتر شد و این تغییر مثبت در ماه‌های بعد نیز ادامه داشت.

موارد کاربرد نتایج طرح :

استفاده از انیمیشن در برنامه آموزشی مدارس، پخش در رسانه‌ها و فضاهای مجازی آموزشی و طراحی برنامه‌های خودمراقبتی برای نوجوانان در مراکز بهداشت.

تاثیرات و کاربردهای آن

تاثیر 1: افزایش آگاهی، علاقه و میل قلبی نوجوانان به دوری از عادات‌های مضر و انتخاب فعالیت‌های روزمره سالم‌تر

تاثیر 2: کمک به مربیان سلامت مدارس و والدین برای برقراری ارتباط مؤثر و آموزشی شیرین با دانش‌آموزان بدون نیاز به سرزنش یا اجبار.

محدودیت‌های شواهد چه بودند؟

تداخل احتمالی با برنامه‌های درسی و امتحانی مدارس و عدم امکان پیگیری طولانی‌مدت رفتارهای دانش‌آموزان در طول چند سال آینده.

مخاطبان طرح پژوهشی

گیرندگان خدمات سلامت (مردم، بیماران، رسانه ها): دانش آموزان دوره متوسطه، والدین، مربیان مدارس و رسانه های تولیدکننده محتوای نوجوانان.

ارائه کنندگان خدمات سلامت (پزشکان، داروسازان، پرستاران، ماماها و....: کارشناسان آموزش بهداشت، مراقبان سلامت مدارس و کارشناسان مراکز بهداشت و درمان.

مدیران و سیاستگذاران نظام سلامت (مدیران بیمارستان، دانشگاه، سازمان غذا و دارو، معاونت بهداشتی و...): مدیران آموزش و پرورش، مسئولان سلامت مدارس و معاونت های بهداشتی دانشگاه های علوم پزشکی.

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟

خیر؛ این محتوا کاملاً جنبه ارتقای سلامت، پیشگیری فرهنگی و ترویج شیوه های صحیح زندگی را دارد و با موازین اخلاقی، دینی و اجتماعی کشور همخوانی دارد.

ایمیل ارتباطی و تلفن مجری اصلی طرح:

9132806883

tavassoli.e@gmail.com

tavassoli.e@skums.ac.ir

منابع و مراجع:

1. Amoah J, Said S, Rampal L, Manaf R, Ibrahim N, Owusu-Agyei S, et al. Effects of a school-based intervention to reduce cardiovascular disease risk factors among secondary school students: A cluster-randomized, controlled trial. *PLOS ONE*. 2021;16(11):e0259581.

لینک مستقیم پابمد: <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/34762713/>

2. Witte K. Putting the fear back into fear appeals: The extended parallel process model. *Communication Monographs*. 1992;59(4):329-349.

لینک مستقیم: <https://doi.org/10.1080/03637759209376276>

13-- عنوان طرح تحقیقاتی: تأثیر آموزش هوش هیجانی بر خودمراقبتی و تبعیت از درمان بیماران مبتلا به دیابت نوع دو مراجعه کننده به مرکز دیابت کلینیک تخصصی و فوق تخصصی امام علی (ع) دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

تاریخ خاتمه طرح: 1405

شماره طرح: 7275

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

مجری اصلی: دکتر فاطمه علی اکبری، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

همکاران:

شقایق جمشیدی راستابی (دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری داخلی-جراحی)، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

دکتر جعفر مقدسی (استادیار، گروه پرستاری داخلی-جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران)

دکتر هادی رئیسی (استادیار، گروه آموزشی بیولوژی و علوم تشریح، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران)

عنوان پیام پژوهشی:

شناخت و مهار احساسات؛ راهکاری موثر برای مراقبت بهتر و پایبندی به درمان در افراد مبتلا به قند خون بالا

پیام کلیدی:

یادگیری مهارت‌های مربوط به درک و مدیریت هیجان‌ها به افراد کمک می‌کند تا فشار روحی ناشی از بیماری قند را مهار کنند، برنامه‌های روزانه مراقبت از سلامت خود را با انگیزه بیشتری انجام دهند و دستورات مصرف دارو و توصیه‌های پزشک را به شکل منظم و پایدار ادامه دهند.

پیام پژوهشی:

بیماری قند بالا از جمله مشکلات سلامتی طولانی مدتی است که کنترل موفق آن بیش از هر چیز به شیوه زندگی و رفتارهای روزمره فرد بستگی دارد. بسیاری از بیماران به دلیل نگرانی‌های مداوم، ناامیدی یا خستگی روحی ناشی از مصرف مداوم داروها، پس از مدتی انگیزه خود را برای رعایت رژیم غذایی سالم، ورزش و مصرف سروقت داروها از دست می‌دهند.

در این پژوهش مشخص شد زمانی که به بیماران آموزش داده می‌شود تا احساسات خود مثل استرس، خشم یا اندوه را به درستی بشناسند و راه‌های مهار و هدایت آنها را یاد بگیرند، توانایی و انگیزه درونی‌شان برای نگهداری از جسم و جان خود به شکل چشمگیری بیشتر می‌شود. افرادی که این مهارت‌های احساسی و فکری را تمرین کردند، نه تنها مراقبت از خود مانند بررسی روزانه سلامت، ورزش و تغذیه سالم را بهتر

پیش بردند، بلکه مصرف داروها و پیگیری درمان را حتی تا ماه‌ها بعد، با انگیزه و نظم بسیار بالاتری ادامه دادند. بنابراین، رسیدگی به حال درونی و روانی بیمار، یکی از پایه‌های اساسی برای مهار بیماری‌های طولانی‌مدت به شمار می‌رود.

اهمیت موضوع :

کنترل موفق قند خون بدون همراهی همیشگی خود بیمار امکان‌پذیر نیست. آموزش مهارت‌های کنترل حس‌ها و استرس به فرد قدرت می‌دهد تا در برابر مشکلات بیماری کم‌نیاز و زندگی سالم‌تری داشته باشد.

مهمترین نتایج طرح به زبان غیر تخصصی :

افزایش چشمگیر اشتیاق و توانایی افراد برای انجام مراقبت‌های روزانه از سلامت خود .

مصرف به موقع و دقیق داروها و پایبندی کامل به توصیه‌های پزشک حتی تا چند ماه پس از اتمام آموزش‌ها .

کاهش ناامیدی و اضطراب ناشی از بیماری و افزایش آرامش فکری در روند زندگی روزمره.

موارد کاربرد نتایج طرح :

برگزاری کلاس‌های دوره‌ای آموزش مهارت‌های زندگی و مهار احساسات در کلینیک‌ها و انجمن‌های ویژه بیماران .

ارائه مشاوره‌های روحی و انگیزه بخش در کنار توصیه‌های دارویی در مراکز بهداشتی و درمانگاه‌ها .

تهیه دفترچه‌ها و برنامه‌های آموزشی ساده برای خانواده‌ها تا محیطی آرام و بدون تنش برای بیمار فراهم کنند.

تاثیرات و کاربردهای آن

تاثیر 1: بیمار یاد می‌گیرد چگونه استرس و نگرانی ناشی از داشتن یک بیماری طولانی را مهار کند؛ این موضوع مانع از خستگی روحی شده و روحیه امید و نشاط را برای مراقبت از جسم زنده نگه می‌دارد.

تاثیر 2: وقتی افراد داروها را منظم مصرف کنند و به توصیه‌های خودمراقبتی عمل کنند، خطر پیشرفت بیماری و بستری شدن در بیمارستان کمتر شده و در هزینه‌های بیمار و سامانه درمانی صرفه‌جویی می‌شود.

محدودیت های شواهد چه بودند؟

اجرای پژوهش بر روی گروه مشخصی از افراد مراجعه کننده به یک مرکز درمانی در شهرکرد صورت گرفته است و برای تعمیم بیشتر، نیاز به ارزیابی در محیطها و شهرهای دیگر نیز وجود دارد.

ارزیابی رفتارهای خودمراقبتی تا سه ماه پس از آموزش سنجیده شده و پیگیری های طولانی تر (مانند سالانه) می تواند ماندگاری همیشگی این رفتارها را دقیق تر نشان دهد.

مخاطبان طرح پژوهشی

گیرندگان خدمات سلامت (مردم، بیماران، رسانه ها): همه افراد مبتلا به قند خون بالا، خانواده های آنان و عموم جامعه و رسانه ها.

ارائه کنندگان خدمات سلامت (پزشکان، داروسازان، پرستاران، ماماها و....: پزشکان، پرستاران، آموزش دهندگان سلامت، مشاوران و کارکنان درمانگاه ها و مراکز جامع خدمات سلامت.

مدیران و سیاستگذاران نظام سلامت (مدیران بیمارستان، دانشگاه، سازمان غذا و دارو، معاونت بهداشتی و...): برنامه ریزان بهداشتی، مسئولان آموزش به بیمار در بیمارستان ها و مدیران انجمن های حمایتی بیماری های مزمن.

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟

هیچ گونه تبعات منفی اخلاقی، دینی، سیاسی یا دارویی ندارد؛ تنها نکته رسانه ای و بهداشتی لازم الرعایه این است که تیترها به گونه ای تنظیم نشوند که بیمار گمان کند کنترل هیجان او را از مصرف داروهایش بی نیاز می کند (بلکه مکمل و تقویت کننده التزام دارویی است).

ایمیل ارتباطی و تلفن مجری اصلی طرح:

9133814789 aliakbarifa@gmail.com aliakbari.f@skums.ac.ir

منابع: سازمان جهانی بهداشت (برگه اطلاعات دیابت):

[World Health Organization - Diabetes Fact Sheet](#)

مقاله جامع درباره نقش هوش هیجانی و روان شناختی در مهار دیابت و خودمراقبتی در پایگاه پابمد (PubMed / PMC):

PubMed Central (PMC) - Emotional intelligence and diabetes self-management

14-- عنوان طرح تحقیقاتی:

گزارش پایانی طرح تحقیقاتی بررسی کیفیت زندگی حرفه‌ای و ارتباط آن با بهزیستی هیجانی در کادر درمانی مراکز آموزشی - درمانی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

تاریخ خاتمه طرح: 1405

شماره طرح: 7525

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

مجری اصلی:

دکتر سید مهدی پورافضلی؛ دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان چهارمحال و بختیاری (شهرکرد)، معاونت تحقیقات و فناوری / مرکز آموزشی درمانی آیت‌الله کاشانی.

همکاران طرح:

دکتر عبدالرحیم صانعی؛ دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، دانشکده پزشکی.

دکتر آریتا عظیمی میبیدی؛ دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، دانشکده پزشکی.

دکتر مرتضی سدهی؛ دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، دانشکده بهداشت.

دکتر احمد صادقی؛ دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، دانشکده پزشکی.

خانم فلورا توکلی؛ دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، واحد توسعه تحقیقات بالینی.

خانم فائزه مهرگان؛ دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، دانشکده پزشکی (دانشجوی پزشکی / پژوهشگر همکار).

عنوان پیام پژوهشی:

لذت کمک به دیگران؛ کلید پنهان شادابی، آرامش درون و سلامت روان در میان کارکنان بیمارستان‌ها

پیام کلیدی:

حس خوب و لذتی که پزشکان و پرستاران از درمان و تسکین رنج بیماران تجربه می‌کنند، مهم‌ترین عامل شادابی روحی آن‌ها در محیط کار است. جالب اینکه خستگی‌های روزمره یا دیدن صحنه‌های ناگوار بیماری، همیشه روحیه و امید این عزیزان به زندگی را از بین نمی‌برد؛ مشروط بر آنکه احساس کنند زحماتشان برای دیگران گره‌گشا و ارزشمند است بتوانند با دلی پر امید به جامعه خدمت کنند.

پیام پژوهشی:

بیمارستان‌ها محیط‌هایی پر از اضطراب، درد و شیفت‌های طولانی هستند؛ اما چه چیزی باعث می‌شود پزشکان و پرستاران با وجود این همه سختی، همچنان با لبخند بر بالین بیماران حاضر شوند؟ این پژوهش با هدف شناخت احساسات درونی و روحیه کادر درمان در مراکز درمانی شهرکرد انجام شد تا راز شادابی و انگیزه کاری آن‌ها کشف شود.

یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد ارزشمندترین سرمایه روحی کادر درمان، همان «لذت و حس خوشایند دستگیری از نیازمندان و التیام رنج دردمندان» است. وقتی یک پرستار یا پزشک حس می‌کند حضورش گره‌ای از کار بیماری باز کرده و روند درمان ثمربخش بوده، آرامش و امید عمیقی در قلبش جوانه می‌زند که سختی‌های کار را برایش قابل‌تحمل می‌کند. نکته جالب و امیدبخش این بود که خستگی‌های روزمره، ساعت‌های کاری فشرده و حتی دیدن صحنه‌های دشوار بیماری، نتوانسته روحیه و امید به زندگی بیشتر این عزیزان را خدشه‌دار کند؛ گویی سپر درونی محکمی از جنس تعهد و معنویت از آرامش روان آن‌ها محافظت می‌کند.

با این وجود، فشار کاری بر دوش بخش‌هایی از کادر درمان، به‌ویژه پرستاران، سنگین‌تر احساس می‌شود. نتایج این بررسی پیامی روشن برای مسئولان سلامت دارد: برای حفظ سلامت و انگیزه این فرشتگان نجات، تنها ابزار مادی کافی نیست؛ بلکه باید فضایی فراهم شود که در آن، زحمات کادر درمان بیش از پیش دیده و قدردانی شود، حجم اضافه‌کاری‌های فرساینده کاهش یابد و برنامه‌هایی جهت بازیابی آرامش فکری آن‌ها اجرا گردد تا چراغ امید و خدمت همواره در بیمارستان‌ها روشن بماند.

اهمیت موضوع :

کادر درمان سنگر اول نجات جان مردم هستند. اگر روحیه و انگیزه درونی پزشکان و پرستاران فرسوده شود، کیفیت رسیدگی به بیماران افت می‌کند و خطاهای ناخواسته بالا می‌رود؛ بنابراین، شادابی روحی و حفظ آرامش روان این افراد، ضامن سلامت کل افراد جامعه است.

مهمترین نتایج طرح به زبان غیر تخصصی :

مهم‌ترین عامل خوشحالی روحی و احساس رضایت از زندگی در کادر درمان، خوشحالی و آرامش درونی ناشی از بهبودی بیماران است. برخلاف انتظار، حجم زیاد کار و خستگی شیفت‌ها همیشه روحیه این افراد را تضعیف نمی‌کند و بسیاری با وجود فشار سنگین، هنوز حس امید و آرامش بالایی دارند. البته متخصصان نسبت به پرستاران حس بهتری به کارشان داشتند که نشان‌دهنده نیاز بیشتر کادر پشتیبان به حمایت است.

موارد کاربرد نتایج طرح :

مدیران بیمارستان‌ها و مسئولان سلامت با کمک این نتایج می‌توانند محیط کاری انسانی‌تر و آرام‌تری ایجاد کنند؛ از جمله: برگزاری دوره‌های مراقبت از سلامت روان، قدردانی منظم و دیده‌شدن زحمات کارکنان، توزیع عادلانه نوبت‌های کاری سخت، کاهش اضافه‌کارهای اجباری به‌ویژه برای پرستاران، و فراهم کردن محیط‌های استراحت اختصاصی تا روحیه نجات‌دهندگان جان مردم در برابر فرسودگی شغلی بیمه شود.

تأثیرات و کاربردهای آن

تأثیر 1: کاهش فرسودگی روحی و خستگی مفرط کادر درمان، افزایش حس تعلق به بیمارستان و بالا رفتن ماندگاری پرستاران و پزشکان بانگیزه در نظام سلامت .

تأثیر 2: بهبود چشمگیر شیوه برخورد با مراجعان، افزایش صبوری در شنیدن درد بیماران و در نتیجه ارتقای سطح ایمنی، سرعت بهبودی و رضایت‌مندی بیماران و خانواده‌های آن‌ها.

محدودیت های شواهد چه بودند؟

بررسی افراد تنها در یک مقطع زمانی مشخص انجام شد و نمی‌توان با قاطعیت گفت که آیا حس لذت از کمک، علت مستقیم خوشحالی روحی است یا افراد شادتر بهتر به دیگران کمک می‌کنند .

نظرات از طریق پاسخ‌های کتبی و خوداظهاری ثبت شده که ممکن است گاهی احساسات لحظه‌ای افراد را بازتاب دهد .

مطالعه فقط در دو مرکز درمانی یک شهر انجام شده و وضعیت کاری در مناطق محروم‌تر یا کلان‌شهرهای شلوغ ممکن است متفاوت باشد..

مخاطبان طرح پژوهشی

گیرندگان خدمات سلامت(مردم،بیماران، رسانه ها): آگاهی از سختی کار درمانگران و تلاش برای رفتار احترام‌آمیزتر و ابراز قدردانی متقابل در مراجعات به مراکز درمانی.

ارائه کنندگان خدمات سلامت (پزشکان، داروسازان،پرستاران،ماماها و....: شناخت ارزش والای خدمت به مردم و به‌کارگیری مهارت‌های خودآگاهی و مراقبت روانی برای جلوگیری از افت انگیزه فردی.

مدیران و سیاستگذاران نظام سلامت (مدیران بیمارستان، دانشگاه، سازمان غذا و دارو، معاونت بهداشتی و...): رؤسای بیمارستان‌ها، معاونت‌های درمان و توسعه دانشگاه‌های علوم پزشکی جهت بازنگری در شیفت‌های طاقت‌فرسا، ایجاد کانون‌های مشاوره روانی برای کادر درمان و اصلاح شیوه ارزیابی و تقدیر از پرسنل بالینی.

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعانی داشته باشد؟ خیر، این طرح جنبه کاملاً حمایتی، ارتقای سلامت روانی و بهبود روابط انسانی در محیط‌های درمانی دارد و فاقد هرگونه چالش امنیتی، دینی، سیاسی یا دارویی است. در مقابل، پیوند عمیقی با ارزش‌های اخلاقی و آموزه‌های دینی درباره اجر والای گره‌گشایی از مردم و دستگیری از نیازمندان و دردمندان دارد.

ایمیل ارتباطی و تلفن مجری اصلی طرح:

منابع و مراجع:

09131578414

smpf.pourafzali@gmail.com pourafzali.m@skums.ac.ir

1. تران و همکاران (Tran, T. T. et al. - 2023) کیفیت زندگی حرفه‌ای در میان کارکنان بهداشت و درمان و عوامل مؤثر بر آن لینک
مستقیم و رایگان در نشریه BMC Health Services Research (پایگاه Springer Nature):

<https://bmchealthservres.biomedcentral.com/articles/10.1186/s12913-023-09855-y>

2. شانافلت و همکاران (Shanafelt, T. D. et al. - 2012) فرسودگی شغلی و رضایت از تعادل میان کار و زندگی در پزشکان لینک
مستقیم و دسترسی در آرشیو طب داخلی (JAMA Internal Medicine):

<https://jamanetwork.com/journals/jamainternalmedicine/fullarticle/1351351>

15-- عنوان طرح تحقیقاتی: بررسی ارتباط فعالیت جسمانی با حساسیت و شدت درک شده بیماری کبد چرب در جوانان شهرکرد

تاریخ خاتمه طرح: 1405

شماره طرح: 7532

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

دکتر لیلا محمودنیا (دانشیار، گروه بیماری‌های داخلی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران)

همکاران طرح:

- الهه توسلی (کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران)
- دکتر معصومه علیدوستی (دانشیار، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران)
- دکتر علیرضا سهرابی (استادیار، گروه بیماری‌های داخلی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران)

عنوان پیام پژوهشی:

جوانانی که خطر بیماری کبد چرب را جدی‌تر می‌دانند، بیشتر ورزش می‌کنند و تحرک بدنی دارند.

پیام کلیدی:

احساس خطر در برابر بیماری کبد چرب، مهم‌ترین انگیزه برای شروع ورزش در سنین جوانی است؛ اگر جوانان بدانند در معرض این بیماری خاموش هستند، تحرک خود را افزایش می‌دهند.

پیام پژوهشی:

بیماری کبد چرب یکی از شایع‌ترین مشکلات سلامت در دنیای امروز است که به دلیل کم‌تحرکی و تغذیه نامناسب، حتی جوانان را نیز درگیر می‌کند. این پژوهش نشان داد جوانانی که احساس می‌کنند خودشان هم ممکن است به کبد چرب مبتلا شوند، وقت بیشتری را به ورزش و پیاده‌روی اختصاص می‌دهند. با این حال، بسیاری از جوانان هنوز میزان خطر و آسیب‌های این بیماری را متوسط ارزیابی می‌کنند و به همین دلیل فعالیت بدنی کافی ندارند. همچنین مشخص شد افراد با سن کمتر (زیر بیست سال) نسبت به سنین بالاتر تحرک بهتری دارند. بنابراین، برای پیشگیری از این بیماری خاموش، کافی نیست فقط درباره ورزش کردن صحبت کنیم؛ بلکه باید به جوانان یادآوری کنیم که این بیماری سن و سال نمی‌شناسد و هر فرد کم‌تحرکی در خطر ابتلا قرار دارد تا انگیزه کافی برای فعالیت روزانه پیدا کنند.

اهمیت موضوع :

کبد چرب نشانه‌های آشکاری در مراحل اولیه ندارد و می‌تواند به آرامی به آسیب جدی کبد منجر شود. با شناخت نحوه نگاه جوانان به این بیماری، می‌توان برنامه‌های ورزشی هدفمندتری طراحی کرد.

مهمترین نتایج طرح به زبان غیر تخصصی :

در این پژوهش که روی دویست نفر از جوانان انجام شد، مشخص شد هرچه یک جوان بیشتر احساس کند ممکن است به کبد چرب مبتلا شود، انگیزه بیشتری برای ورزش کردن دارد و زمان بیشتری در طول هفته فعالیت می‌کند. از سوی دیگر، هرچه سن جوانان بالاتر می‌رود، میزان تحرک آن‌ها کمتر می‌شود. همچنین افراد مجرد یا جوانانی که تحصیلات دانشگاهی دارند، متوجه شده‌اند که عوارض بیماری سنگین‌تر است، اما این نگرانی ذهنی به تنهایی برای راه افتادن و ورزش کردن کافی نبوده؛ چراکه افراد تا زمانی که احساس نکنند «خودشان شخصاً در معرض خطر هستند»، رفتارهای محافظتی مثل ورزش روزانه را شروع نمی‌کنند.

موارد کاربرد نتایج طرح :

استفاده در مراکز بهداشت و آموزشگاه‌ها برای طراحی برنامه‌های هشداردهنده سلامت و راه‌اندازی پویش‌های ورزشی متناسب با ذهنیت جوانان.

تأثیرات و کاربردهای آن

تأثیر 1: افزایش تحرک بدنی روزانه و پیاده‌روی در بین جوانان با هدف جلوگیری از اضافه‌وزن و تجمع چربی در کبد.

کاهش بار مراجعات درمانی و جلوگیری از ابتلا به نارسایی‌های پیشرفته کبدی در سال‌های آینده زندگی.

تأثیر 2: کاهش بار مراجعات درمانی و جلوگیری از ابتلا به نارسایی‌های پیشرفته کبدی در سال‌های آینده زندگی.

محدودیت‌های شواهد چه بودند؟

این پژوهش تنها در بین جوانان شهرکرد انجام شده و بررسی میزان فعالیت بدنی بر اساس اظهارات و تکمیل پرسشنامه توسط خود شرکت‌کنندگان بوده است.

مخاطبان طرح پژوهشی

گیرندگان خدمات سلامت (مردم، بیماران، رسانه‌ها): جوانان، دانشجویان و عموم خانواده‌ها برای مراقبت از الگوی زندگی و فعالیت روزانه

ارائه‌کنندگان خدمات سلامت (پزشکان، داروسازان، پرستاران، ماماها و....: مربیان ورزش، معلمان و مسئولان مراکز بهداشت و دانشگاه‌ها برای آگاه‌سازی نسل جوان

مدیران و سیاست‌گذاران نظام سلامت (مدیران بیمارستان، دانشگاه، سازمان غذا و دارو، معاونت بهداشتی و...): مدیران سلامت شهری و سیاست‌گذاران بهداشتی برای ایجاد فضاها و مسیرهای پیاده‌روی رایگان و جذاب

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟ بی توجهی به انگیزه جوانان باعث افزایش تصاعدی چاقی، کبد چرب زودهنگام و دیابت در سال های آینده و افزایش هزینه های سنگین درمانی برای جامعه می شود.

ایمیل ارتباطی و تلفن مجری اصلی طرح :

9131849752 leilamahmoodnia@yahoo.com mahmoodnia.l@skums.ac.ir

منابع و مراجع:

۱. راهنمای بالینی و تشخیصی مدیریت بیماری کبد چرب غیرالکلی:

Chalasani, N., et al. (2018). *The diagnosis and management of nonalcoholic fatty liver disease: Practice guidance from the American Association for the Study of Liver Diseases*. Hepatology, 67(1), 328-357.

پیوند مستقیم در گوگل و پابمد: <https://doi.org/10.1002/hep.29367>

۲. تأثیر ورزش و اصلاح سبک زندگی بر بهبود و کنترل کبد چرب:

Zelber-Sagi, S., et al. (2017). *Role of physical activity in nonalcoholic fatty liver disease*. European Journal of Gastroenterology & Hepatology, 29(4), 481-487.

پیوند مستقیم در گوگل و پابمد: <https://doi.org/10.1097/MEG.0000000000000806>

۳. پژوهش ارزیابی مدل های رفتاری و سلامت در پیشگیری از کبد چرب در ایران:

Nourian, M., et al. (2020). *The impact of educational intervention based on health belief model on physical activity and nutrition in non-alcoholic fatty liver disease patients*. Journal of Education and Health Promotion, 9, 310.

پیوند مستقیم در گوگل و پابمد: https://doi.org/10.4103/jehp.jehp_398_20

۴. گزارش سازمان جهانی بهداشت پیرامون اهمیت فعالیت بدنی برای پیشگیری از بیماری های غیرواگیر:

World Health Organization (2022). *Global status report on physical activity 2022*. WHO Guidelines.

پیوند مستقیم در گوگل و سایت بهداشت جهانی: <https://www.who.int/publications/i/item/9789240059153>

16-- عنوان طرح تحقیقاتی: بررسی ارتباط بین تاب‌آوری و سبک‌های حل مسئله با خودکشی در بیماران بستری در بیمارستان آیت‌الله کاشانی شهرکرد

تاریخ خاتمه طرح: 1405

شماره طرح: 7559

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

مجری یا محقق اصلی: دکتر الهام زارعان، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران.

همکاران:

دکتر پروین صفوی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران.

دکتر سمانه ترکیان، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران.

زهرا شاهرخ، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران.

عنوان پیام پژوهشی:

تاب‌آوری پایین‌تر در افراد با سابقه اقدام به خودکشی بستری در شهرکرد: ضرورت آموزش مهارت‌های زندگی

پیام کلیدی:

بررسی افراد بستری شده نشان داد کسانی که اقدام به خودکشی کرده بودند، توان کمتری در تحمل سختی‌ها و بازگشت به آرامش داشتند. بیکاری و نداشتن سابقه قبلی مراجعه به روان‌پزشک نیز در میان آنان بیشتر دیده شد. تقویت توانایی فرد در مواجهه با بحران‌ها و دسترسی آسان‌تر به حمایت‌های روانی می‌تواند در پیشگیری مؤثر باشد.

پیام پژوهشی:

توان روانی افراد برای کنار آمدن با بحران‌ها و سختی‌های زندگی، یکی از پایه‌های حفظ سلامت روان است. این بررسی بر روی ۲۱۰ نفر از افراد بستری در بیمارستان کاشانی شهرکرد (۱۰۵ نفر با سابقه اقدام و ۱۰۵ نفر بستری به دلایل دیگر) انجام شد تا توان رویارویی با مشکلات و شیوه‌های فکری آنان ارزیابی شود. نتایج نشان داد افرادی که دست به این اقدام زده بودند، به‌طور معناداری احساس می‌کردند توان کمتری برای بازگشت به حالت عادی پس از رویدادهای ناگوار دارند. در شیوهٔ حل مسئله تفاوت روشنی بین دو گروه دیده نشد؛ اما بیکاری و نداشتن سابقه مشاوره روانی در میان اقدام‌کنندگان پررنگ‌تر بود. این یافته‌ها نشان می‌دهد توجه به شرایط شغلی و آموزش راه‌های کنار آمدن با ناملایمات روزمره می‌تواند به مراقبت از سلامت روان افراد کمک کند.

اهمیت موضوع :

آسیب رساندن به خود، صدمات سنگین روحی و اجتماعی به خانواده‌ها و جامعه وارد می‌کند. شناسایی زودهنگام افراد نیازمند توجه و شناخت ویژگی‌های روانی و اجتماعی آنان می‌تواند زمینه را برای آموزش‌های کاربردی، مشاوره به موقع و کاهش این بحران‌های تلخ فراهم کند.

مهمترین نتایج طرح به زبان غیر تخصصی :

توانایی کنار آمدن با سختی‌ها و تحمل ناملایمات در افراد اقدام‌کننده نسبت به سایر بیماران کمتر بود.

تفاوت مشخصی در رویکردهای فکری افراد دو گروه برای حل مسائل زندگی ثبت نشد.

بخش قابل توجهی از اقدام‌کنندگان شغل ثابتی نداشتند و پیش از بستری به روان‌پزشک مراجعه نکرده بودند.

موارد کاربرد نتایج طرح :

برگزاری دوره‌های آموزش همگانی مهارت‌های زندگی و شیوه‌های مواجهه با استرس در مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز کاری

تقویت و گسترش خدمات مشاوره تلفنی رایگان برای دسترس‌پذیرتر کردن حمایت‌های روانی

توجه به نیازهای مشاوره‌ای گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی به‌ویژه جوانان جویای کار

تاثیرات و کاربردهای آن

تاثیر 1: سلامت، بهداشت و درمان: طراحی برنامه‌های آموزش تاب‌آوری و مهارت مواجهه با بحران، و ارتقای خدمات سلامت روان

تاثیر 2: آموزش: اجرای کارگاه‌های مهارتی عمومی و آموزش راه‌های مدیریت فشار روانی در جامعه

محدودیت‌های شواهد چه بودند؟

۱. نمی‌توان گفت کدام عامل علت دیگری است: این بررسی در یک مقطع زمانی مشخص انجام شد؛ بنابراین فقط مشخص شد که بین کم‌طاقة بودن و اقدام به این کار همراهی وجود دارد، اما نمی‌توان گفت حتماً تاب‌آوری پایین علت اصلی اقدام بوده است.

۲. محدود بودن به یک بیمارستان و روش خاص: همه شرکت‌کنندگان تنها در بخش‌های عمومی یک بیمارستان در شهرکرد بستری بودند و همگی از روش مصرف بیش از حد دارو استفاده کرده بودند؛ بنابراین نتایج را نمی‌توان به افرادی با شرایط سخت‌تر یا روش‌های دیگر نسبت داد.

۳. تکمیل پرسشنامه‌ها توسط خود افراد: پاسخ‌ها بر اساس برداشت و حس درونی خود افراد در زمان بستری پر شده است و ممکن است احساسات ناشی از بیماری یا شرایط بیمارستان بر پاسخ‌هایشان اثر گذاشته باشد.

۴. بررسی نشدن برخی مشکلات روحی دیگر: در این پژوهش مواردی مانند میزان افسردگی زمینه‌ای، فشارهای ناگهانی زندگی، یا حمایت خانوادگی به‌طور مستقل ارزیابی نشدند.

مخاطبان طرح پژوهشی

گیرندگان خدمات سلامت (مردم، بیماران، رسانه‌ها): برای مردم و خانواده‌ها، رای بیماران و افراد در معرض بحران

ارائه‌کنندگان خدمات سلامت (پزشکان، داروسازان، پرستاران، ماماها و...: برای پزشکان و پرستاران بیمارستان‌ها، برای بهورزان و مراقبان سلامت مراکز بهداشت

مدیران و سیاستگذاران نظام سلامت (مدیران بیمارستان، دانشگاه، سازمان غذا و دارو، معاونت بهداشتی و...): برای مدیران دانشگاه و بیمارستان‌ها، برای معاونت بهداشتی

آیا این خبر می‌تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش‌های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟

از نظر اجتماعی و فرهنگی: انتشار نادرست خبر ممکن است باعث برچسب‌خوردن منفی به افراد بیکار یا بیماران بستری شود و حس «ضعیف بودن» یا «بی‌کفایتی» به آنان القا کند. خبر باید به نحوی بیان شود که جامعه متوجه شود توان مدارا با سختی‌ها با آموزش و حمایت قابل افزایش است و نباید به افراد در بحران سرکوفت زده شود.

از نظر بهداشتی و رسانه‌ای: صحبت کردن از موضوع آسیب به خود بسیار حساس است؛ رسانه‌ها نباید به شیوه، نام داروها یا مکان بیمارستان دامن بزنند تا از پدیده تقلید ناخواسته جلوگیری شود. پیام خبر باید صرفاً بر «راه‌های دریافت حمایت روانی و آموزش مهارت» متمرکز باشد.

ایمیل ارتباطی و تلفن مجری اصلی طرح:

9131840901 ezarean@gmail.com e.zarean@skums.ac.ir

منابع و مراجع:

1. Connor, K. M., & Davidson, J. R. (2003). Development of a new resilience scale: The Connor-Davidson Resilience Scale (CD-RISC). *Depression and Anxiety*, 18(2), 76–82.

2 <https://doi.org/10.1002/da.10113>

Darvishi, N., et al. (2023). Suicide-related factors in Iran: A systematic review and meta-analysis. .2
PLOS ONE, 18(4), e0284489.

3 <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0284489>

Wagnild, G. M., & Young, H. M. (1993). Development and psychometric evaluation of the .3
Resilience Scale. *Journal of Nursing Measurement*, 1(2), 165–178.

4 <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/7850498/>

World Health Organization. (2023). *Preventing suicide: a resource for media professionals (update* .4
2023). World Health Organization.

<https://www.who.int/publications/i/item/9789240076846>

17-- عنوان طرح تحقیقاتی : بررسی ارتباط بین هوش فرهنگی و رضایت از تحصیل دانشجویان پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد در سال 1404

تاریخ خاتمه طرح: 1405

شماره طرح: 7974

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

مجری اصلی: رضا احمدی ده کهنه، دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران.

همکاران:

مریم شیوندی ، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

علیرضا حسن زاده سورشجانی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

فاطمه علی اکبری ، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

هوش فرهنگی و رضایت تحصیلی؛ چه تصویری از دانشجویان پرستاری و مامایی شهرکرد داریم؟

پیام کلیدی:

بررسی ۱۴۶ دانشجوی پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد نشان داد توانایی برقراری ارتباط با تفاوت‌های فرهنگی و همچنین رضایت آن‌ها از دوران تحصیل در سطح خوبی ارزیابی شده است، اما پیوند و همبستگی مشخص و نیرومندی میان این دو دیده نشد. دانشجویان ترم‌های پایانی (ششم و هشتم) نسبت به دانشجویان ترم دوم رضایت بیشتری از تحصیل داشتند. بنابراین ارتقای رضایت تحصیلی، نیازمند برنامه‌های جامع‌تری شامل پشتیبانی آموزشی و تسهیل ورود به دانشگاه، به‌ویژه در آغاز راه است.

پیام پژوهشی:

در این مطالعه، ۱۴۶ دانشجوی کارشناسی پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد در سال ۱۴۰۴ به پرسش‌هایی درباره توانایی شناخت، احترام و ارتباط با فرهنگ‌های گوناگون و همچنین احساس رضایت خود از رشته، دانشگاه و نحوه آموزش پاسخ دادند. نتایج کلی نشان داد که هم مهارت‌های فرهنگی و هم میزان رضایت تحصیلی دانشجویان در شرایط مناسب و مطلوبی قرار دارد. با این حال، تحلیل پاسخ‌ها نشان داد که رابطه مستقیم و محکمی بین این دو وجود ندارد؛ به این معنی که لزوماً تقویت هوش فرهنگی به‌تنهایی باعث بالا رفتن رضایت تحصیلی نمی‌شود و عوامل دیگری در این میان اثرگذارند. یکی از نکات جالب‌توجه این بود که دانشجویان سال‌های بالاتر (ترم‌های ششم و هشتم) در مقایسه با دانشجویان تازه‌وارد (ترم دوم) رضایت به‌مراتب بیشتری از تحصیل خود ابراز کردند که احتمالاً

ناشی از سازگاری بهتر با محیط بالینی در طول زمان است. این یافته‌ها نشان می‌دهد مدیران و استادان باید برنامه‌های راهنمایی، مشاوره‌ای و کارگاه‌های آشنایی با بالین را از همان ترم‌های نخست به کار گیرند. با توجه به مقطعی بودن کار و اتکا بر خودگزارش‌دهی در یک دانشکده، نتایج قابل تعمیم به کل کشور نیست.

اهمیت موضوع :

دانشجویان پرستاری و مامایی پس از فارغ‌التحصیلی با مراجعانی از فرهنگ‌ها و پیشینه‌های گوناگون روبه‌رو خواهند شد. سنجش میزان سازگاری فرهنگی و بررسی رضایت تحصیلی آن‌ها، به مدیران آموزشی کمک می‌کند نقاط ضعف یادگیری و محیط‌های آموزشی را به موقع شناسایی و برطرف کنند.

مهمترین نتایج:

وضعیت هوش فرهنگی و رضایت از تحصیل در دانشجویان پرستاری و مامایی مطلوب گزارش شد، اما ارتباط معناداری بین نمره این دو مشاهده نشد. دانشجویان ترم‌های پایانی رضایت بیشتری از تجربه تحصیلی خود در مقایسه با دانشجویان ترم‌های آغازین داشتند.

موارد کاربرد نتایج طرح :

طراحی کارگاه‌های آمادگی بالینی و مهارت‌های بین‌فردی برای دانشجویان جدیدالورود؛ استفاده مدیران آموزشی از نتایج برای پشتیبانی بیشتر از دانشجویان ترم‌های اول و دوم؛ و بازنگری برنامه‌های مشاوره تحصیلی در دانشکده‌های پرستاری و مامایی.

تأثیرات و کاربردهای آن

تأثیر 1: کمک به برنامه‌ریزی جهت ارتقای سازگاری آموزشی و کاهش سردرگمی دانشجویان سال‌های نخست از طریق تدوین بسته‌های راهنمایی و مشاوره بدو ورود به رشته.

تأثیر 2: فراهم کردن داده‌های پایه‌ای برای دانشگاه جهت برنامه‌ریزی دوره‌های مهارت‌افزایی فرهنگی و ارتباطی متناسب با نیازهای مراقبت از بیماران.

محدودیت‌های شواهد چه بودند؟

- 1) این پژوهش به شیوه مقطعی انجام شده و نشان‌دهنده رابطه علت و معلولی نیست.
- 2) گردآوری اطلاعات با پرسشنامه خودگزارشی بوده که ممکن است تحت تأثیر نظرات شخصی قرار گیرد.
- 3) مطالعه محدود به یک دانشگاه و با جامعه ۱۴۶ نفری بوده و برای تعمیم گسترده نیازمند پژوهش‌های چندمرکزی است.

مخاطبان طرح پژوهشی

گیرندگان خدمات سلامت (مردم، بیماران، رسانه ها): مردم، بیماران، رسانه ها

ارائه کنندگان خدمات سلامت (پزشکان، داروسازان، پرستاران، ماماها و...: استادان، مربیان بالینی و دانشجویان پرستاری و مامایی مدیران و سیاستگذاران نظام سلامت (مدیران بیمارستان، دانشگاه، سازمان غذا و دارو، معاونت بهداشتی و...): معاونت‌های آموزشی و رؤسای دانشکده‌های علوم پزشکی

آیا این خبر می تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟

این پژوهش صرفاً یک بررسی توصیفی و آموزشی دانشگاهی بوده و هیچ گونه تبعات منفی یا مداخله اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، مذهبی یا دارویی به همراه ندارد.

ایمیل ارتباطی و تلفن مجری اصلی طرح:

09910858510

rezaahmadiofficial8285@gmail.com

منابع و مراجع:

Majda A, Zalewska-Puchała J, Bodys-Cupak I, Kurowska A, Barzykowski K. Evaluating the Effectiveness of Cultural Education Training: Cultural Competence and Cultural Intelligence *International Journal of Environmental Research and Public Health*. Development among Nursing Students 4008;(8)18;2021 .

پیوند مقاله در پابمد: <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/33920364/>

Ang S, Van Dyne L, Koh C, Ng KY, Templer KJ, Tay C, et al. Cultural Intelligence: Its Measurement and Effects on Cultural Judgment and Decision Making, Cultural Adaptation and Task Performance *Management and Organization Review* 371-335;(3)3;2007 .

پیوند مقاله: <https://doi.org/10.1111/j.1740-8784.2007.00082.x>

18- **عنوان طرح تحقیقاتی:** بررسی تأثیر مشاوره براساس الگوی شادکامی فوردایس بر انگ و پیامدهای روانی در زنان با تجربه سقط جنین در زنان مراجعه کننده به کلینیک زنان وابسته به دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد در سال ۱۴۰۴

تاریخ خاتمه طرح: 1405

شماره طرح: 7690

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

- **مجری اصلی:** زیبا رئیسی دهکردی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران.
- **همکاران طرح:**

الهام ادیب مقدم دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران.

حدیث سوری نژاد دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران.

عنوان پیام پژوهشی:

نقش مثبت جلسات گفت و گو و شادکامی در آرامش روان و کاهش حس تنهایی و خجالت در بانوان پس از تجربه از دست رفتن جنین

پیام کلیدی:

گفت وگوهای صمیمی و آموزش مهارت های خوش بینی و شادزیستی می تواند بار سنگین سرزنش، ترس از قضاوت اطرافیان و احساس غم و اضطراب را پس از دست دادن بارداری به شکلی چشمگیر سبک کند.

پیام پژوهشی:

اتفاق از دست دادن فرزند پیش از تولد، گذشته از درد جسمی، می تواند فشار روانی زیادی به همراه داشته باشد. بسیاری از مادران نگران قضاوت دیگران، حرف های آزاردهنده یا احساس مقصر بودن می شوند و مدام دچار دلشورگی و اندوه هستند. در این برنامه، تعدادی از بانوان در کنار پیگیری های معمول خود، در هشت جلسه گفت و گوی گروهی با محوریت یادگیری شادکامی، تمرکز بر داشته ها، پذیرش احساسات، تقویت ارتباط با دیگران و راه های کنار آمدن با دشواری ها شرکت کردند. بعد از اتمام این دوره ها و بررسی وضعیت بانوان، مشخص شد زنانی که در این جلسات بودند در مقایسه با کسانی که فقط پیگیری عادی داشتند، با آرامش بیشتری روزهای خود را سپری می کردند و بسیار کمتر احساس خجالت، قضاوت منفی یا ناامیدی داشتند.

● **اهمیت موضوع:**

وقتی بارداری ناتمام می ماند، توجه بیشتر به جسم معطوف می شود و روحیه و سلامت روان فرد کمتر دیده می شود. اگر به احساسات و ترس این بانوان اهمیت داده نشود، ممکن است تا مدت ها درگیر غم و خجالت باقی بمانند. آموزش راه های شادتر زیستن به آنها یادآوری می کند که تنها نیستند و خود را برای این پیشامد سرزنش نکنند

- **مهمترین نتایج طرح:**

بانوانی که در این جلسات حضور داشتند احساس بهتری از نظر آرامش درونی و امیدواری به زندگی پیدا کردند.

سنگینی نگاه ها، ترس از گفته های دیگران و حس مقصر بودن در آنان بسیار کمتر شد.

دلشوره، غم و نگرانی های روزمره پس از این تجربه کاهش محسوسی پیدا کرد.

- **موارد کاربرد نتایج طرح :**

مراکز بهداشتی، درمانگاه های زنان و ماماها می توانند علاوه بر درمان و رسیدگی های پزشکی، برنامه های ساده گفت و گو و تقویت روحیه را برای مادران فراهم کنند تا به این بانوان برای بازگشت سریع تر به روند طبیعی زندگی کمک شود.

اهداف طرح: بررسی این موضوع که آیا گفت و گو و آموزش مهارت های شادمانی می تواند غم، اضطراب و احساس خجالت یا مقصر بودن را در بانوان بعد از سقط کمتر کند یا خیر.

تاثیرات و کاربردهای آن

تاثیر 1: تأثیر بر روحیه : کمک به مادران برای عبور از دوره سوگواری و رسیدن به تعادل روانی سریع تر .

تاثیر 2: تأثیر بر جامعه : کاهش افسردگی در میان خانواده هایی که این تجربه را داشته اند.

محدودیت های شواهد چه بودند؟

انجام این مطالعه تنها در یک مرکز خاص و با تعداد محدودی از مادران بوده است؛ بنابراین نتایج آن ممکن است برای تمام بانوان با شرایط متفاوت، کاملاً یکسان نباشد و نیاز به بررسی در گروه های بزرگ تر و متنوع تر باشد.

. مخاطبان طرح پژوهشی

- **گیرندگان خدمات سلامت (مردم، بیماران، رسانه ها):** بانوانی که چنین تجربه ای داشته اند.

ارائه کنندگان خدمات سلامت (پزشکان، داروسازان، پرستاران، ماماها و....: پزشکان زنان، ماماها و مشاوران سلامت که با

این مادران در ارتباط هستند .

- مدیران و سیاستگذاران نظام سلامت (مدیران بیمارستان، دانشگاه، سازمان غذا و دارو، معاونت بهداشتی و...): مسئولان مراکز بهداشتی و درمانی که برنامه‌ریزی برای خدمات حمایتی انجام می‌دهند.

آیا این خبر می‌تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش‌های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟

این برنامه هیچ‌گونه عوارض منفی یا خطر جانبی ندارد و کاملاً بر پایه گفت‌وگو و آموزش مهارت‌های زندگی است که کاملاً با فرهنگ و شرایط خانواده‌ها سازگار است.

در صورتی که این طرح منتج به مقاله شده است لینک مقاله درج شود:

<http://www.....>

مجله در کدام پایگاه اطلاعاتی نمایه شده است؟

☐ پایگاه اطلاعاتی ISI پایگاه اطلاعاتی Pubmed پایگاه اطلاعاتی Scopus

ایمیل ارتباطی و تلفن مجری اصلی طرح:

91338237630 ziba758@gmail.com zibard@skums.ac.ir

منابع و مراجع: 4 مرجع اصلی استفاده شده در طرح تحقیقاتی

۱. برنامه فوردایس برای افزایش شادی و رضایت از زندگی: [مشاهده مقاله در Google Scholar](#)

۲. بررسی احساس انگ و خجالت پس از سقط جنین: [مشاهده مقاله در Google Scholar](#)

۳. تأثیر مشاوره شادکامی بر اضطراب بانوان پس از سقط: [مشاهده مقاله در Google Scholar](#)

۴. سنجش نشانه‌های سلامت روان در جمعیت ایرانی: [مشاهده مقاله در Google Scholar](#)

19-- عنوان طرح تحقیقاتی: بررسی مقایسه‌ای دو روش تمرین عضلات کف لگن و بیوفیدبک کف لگن بر عملکرد جنسی و رضایت جنسی در زنان مبتلا به بی‌اختیاری ادراری مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی و درمانی وابسته به دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

تاریخ خاتمه طرح: 1405

شماره طرح: 7703

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

مجری اصلی: دکتر زیبا رئیسی دهکردی، استادیار گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

همکاران:

دکتر فاطمه رحیمی؛ دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

دکتر هادی رئیسی؛ دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

دکتر مرضیه رئیسی؛ دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

تقویت عضلات کف لگن همراه با دستگاه‌های راهنمای عضلانی، بهبودبخش روابط زناشویی در زنان دچار ریزش ناخواسته ادرار است.

پیام کلیدی:

ریزش ناخواسته ادرار در بانوان، علاوه بر دغدغه‌های جسمی روزمره، می‌تواند به سردی روابط زناشویی، کاهش اعتمادبه‌نفس و افت کیفیت زندگی مشترک منجر شود. نتایج این پژوهش نشان داد یادگیری و انجام منظم تمرین‌های ساده خانگی برای تقویت عضلات پایین لگن، به‌ویژه زمانی که با دستگاه‌های کمک‌آموزشی و راهنمای حرکتی همراه شود، به بانوان کمک می‌کند تا تسلط بسیار بهتری بر بدن خود پیدا کنند و احساس صمیمیت و رضایت زناشویی بسیار بالاتری را تجربه نمایند.

پیام پژوهشی:

بسیاری از بانوان در طول زندگی، به‌ویژه پس از زایمان یا با بالا رفتن سن، با مشکل خروج ناخواسته ادرار هنگام سرفه، خنده یا جابه‌جایی وسایل مواجه می‌شوند. این مسئله آرامش روانی، راحتی فردی و رابطه زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این مطالعه، اثربخشی تمرین‌های ورزشی مخصوص ناحیه لگن به‌تنهایی و در کنار کار با دستگاهی سنجیده شد که عملکرد عضلات را به‌صورت تصویر و نشانه‌های ساده به خود فرد نشان می‌دهد. این دستگاه نقش یک راهنما و معلم کمکی را بازی می‌کند تا بانو مطمئن شود عضلات درست را منقبض می‌کند. در این طرح، بانوان مراجعه‌کننده به مراکز سلامت به سه شیوه مراقبت دریافت کردند: گروهی ورزش‌ها را به‌تنهایی در خانه انجام دادند، گروهی فقط از ابزار راهنما استفاده کردند و گروهی هر دو روش را توأم پیش بردند. بررسی‌ها نشان داد همه شرکت‌کنندگان احساس راحتی و رضایت بسیار بهتری از روابط خود پیدا کردند؛ اما در بانوانی که تمرین عضلانی را هم‌زمان با دستگاه راهنما آموزش دیده بودند، آرامش روانی، کنترل بدن و کیفیت روابط مشترک رشد بسیار چشمگیرتری داشت. این نتایج اثبات می‌کند که روش‌های غیرجراحی، بدون درد و کم‌هزینه می‌تواند کیفیت زندگی بانوان را کاملاً متحول سازد.

اهمیت موضوع :

ناپایداری و ضعف عضلات لگن در بانوان سلامت زناشویی و روان خانواده را تهدید می‌کند. معرفی راهکارهای آموزشی، بدون درد و غیردارویی باعث می‌شود زنان بدون شرمساری، استرس و هزینه‌های گزاف درمانی، کنترل بدن و شادی زندگی خود را دوباره به دست آورند.

مهمترین نتایج طرح:

تقویت عضلات پایین شکم و لگن، مشکلات روابط زناشویی بانوان دارای ریزش ناخواسته ادرار را به‌خوبی برطرف می‌کند. بانوانی که هم‌زمان با ورزش از دستگاه‌های راهنمای حسی استفاده کردند، بیشترین آسودگی و رضایتمندی را گزارش دادند.

موارد کاربرد نتایج طرح :

این راهکار ورزشی و آموزشی در مراکز سلامت، کلینیک‌های بهداشت باروری و برنامه‌های توانبخشی قابل استفاده است تا به عنوان یک مداخله ملایم، بی‌خطر و جایگزین درمان‌های تهاجمی به تمام بانوان آموزش داده شود.

تأثیرات و کاربردهای آن

- تأثیر 1:** کاهش چشمگیر اضطراب، خجالت و گوشه‌گیری بانوان در زندگی فردی و بازیابی مجدد اعتمادبه‌نفس و رضایت در کانون خانواده.
- تأثیر 2:** کاهش نیاز بانوان به داروهای پرعارضه یا جراحی‌های پرهزینه از طریق آموزش حرکات بدنی ساده، در دسترس و توانمندساز.

محدودیت‌های شواهد چه بودند؟

پاسخ‌های مربوط به احساس صمیمیت و رضایت زناشویی از طریق پرسشنامه‌های شخصی و گفتگوی حضوری گردآوری شده بود؛ به همین دلیل شرم، حیا و ملاحظات فرهنگی ممکن است باعث شده باشد برخی شرکت‌کنندگان تمام احساسات یا جزئیات دقیق مشکلات خود را بازگو نکرده باشند. همچنین، اثر طولانی‌مدت این تمرین‌ها پس از گذشت ماه‌ها نیازمند پیگیری‌های بعدی است.

مخاطبان طرح پژوهشی

گیرندگان خدمات سلامت (مردم، بیماران، رسانه‌ها): بانوان دچار ریزش ناخواسته ادرار، همسران آن‌ها، گروه‌های حمایتی خانواده و رسانه‌های فعال در حوزه ارتقای سواد سلامت جامعه

ارائه‌کنندگان خدمات سلامت (پزشکان، داروسازان، پرستاران، ماماها و...): ماماها، کارشناسان بهداشت باروری، فیزیوتراپیست‌های کف لگن، پرستاران درمانگاه‌های زنان و پزشکان سلامت خانواده.

مدیران و سیاستگذاران نظام سلامت (مدیران بیمارستان، دانشگاه، سازمان غذا و دارو، معاونت بهداشتی و...): کارشناسان سلامت جمعیت و خانواده در معاونت‌های بهداشت، متولیان بیمه و رؤسای مراکز جامع خدمات سلامت شهری و روستایی

آیا این خبر می‌تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش‌های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟ خیر؛ این روش کاملاً طبیعی، مبتنی بر تمرین و بازآموزی عضلانی، منطبق با اصول عفت و فرهنگ خانواده‌محور اسلامی و فاقد هرگونه دارو، ماده شیمیایی یا مخاطره بهداشتی است و با تقویت پیوند زناشویی اثرات اجتماعی بسیار مثبتی دارد.

ایمیل ارتباطی و تلفن مجری اصلی طرح:

09133823763 ziba758@gmail.com zibard@skums.ac.ir

منابع و مراجع:

- ❑ **Wang, Y., Wang, J., & Li, W. (2022).** To compare the effects of two pelvic floor muscle treatments on quality of life and sexual function in female patients with urinary incontinence. *Sexual Medicine*, 10(5), 100561.
- پیوند مستقیم و رسمی ناشر: <https://doi.org/10.1016/j.esxm.2022.100561>
 - نمایه در پابمد: <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/35987071>
- ❑ **Hagen, S., et al. (2020).** Basic versus biofeedback-mediated intensive pelvic floor muscle training for women with urinary incontinence: the OPAL RCT. *Health Technology Assessment / BMJ*, 371, m3719.
- پیوند مستقیم و رسمی ناشر (BMJ): <https://doi.org/10.1136/bmj.m3719>
 - نمایه در پابمد: <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/33055104>
- ❑ **Alouini, S., Memic, S., & Couillandre, A. (2022).** Pelvic Floor Muscle Training for Urinary Incontinence with or without Biofeedback or Electrostimulation in Women: A Systematic Review. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19(5), 2789.
- پیوند مستقیم ناشر: <https://doi.org/10.3390/ijerph19052789>
 - نمایه در پابمد: <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/35270481>
- ❑ **Dumoulin, C., Cacciari, L. P., & Hay-Smith, E. J. C. (2018).** Pelvic floor muscle training versus no treatment, or inactive control treatments, for urinary incontinence in women. *Cochrane Database of Systematic Reviews*, 10, CD005654.
- پیوند مستقیم در کتابخانه کاکرین: <https://doi.org/10.1002/14651858.CD005654.pub4>
 - نمایه در پابمد: <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/30288727>

20— عنوان طرح تحقیقاتی: بررسی ارتباط بین رضایتمندی از رشته تحصیلی و تمایل به مهاجرت دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

تاریخ خاتمه طرح: 1405

شماره طرح: 7895

مجری یا محقق اصلی و همکاران با ذکر وابستگی هر فرد:

مجری اصلی: مریم شیوندی، دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران
همکاران طرح:

۱. رضا احمدی ده کهنه، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران
۲. علیرضا حسن‌زاده سورشجانی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران
۳. فاطمه علی‌اکبری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

عنوان پیام پژوهشی:

رضایت از رشته پرستاری و نقش آن در ماندگاری دانشجویان در کشور

پیام کلیدی:

پرستاران ستون اصلی مراقبت از بیماران هستند و ماندن آن‌ها در کشور به دلگرمی و رضایتشان از دوران تحصیل بستگی دارد. این پژوهش نشان داد هرچه دانشجویان از رشته پرستاری، فضای آموزشی و آینده شغلی خود راضی‌تر باشند، فکر رفتن به خارج از کشور در ذهنشان کمتر شکل می‌گیرد. ایجاد امید به کار، تقویت امکانات آموزشی و شنیدن دغدغه‌های دانشجویان، راهکاری اساسی برای حفظ این سرمایه‌های انسانی در نظام سلامت است.

پیام پژوهشی:

پرستاری یکی از ارکان حیاتی سلامت هر جامعه است؛ زیرا بیماران در سخت‌ترین لحظات زندگی به توجه و مراقبت دلسوزانه آنان نیاز دارند. با این حال، در سال‌های اخیر تمایل جوانان و دانشجویان به مهاجرت به یکی از دغدغه‌های مهم تبدیل شده است. در این پژوهش تلاش شد تا مشخص شود آیا علاقه‌مندی و رضایت دانشجویان از درس و رشته‌شان می‌تواند مانعی در برابر تصمیم به رفتن باشد یا خیر. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد دانشجویانی که محیط دانشکده را پویا، آموزش را باکیفیت و چشم‌انداز آینده کاری خود را روشن می‌بینند، احساس تعلق و وفاداری بیشتری به کشور دارند و کمتر به مهاجرت فکر می‌کنند. در مقابل، خستگی روحی و ناامیدی از امکانات رفاهی یا شغلی می‌تواند زمینه دل‌سردی و تمایل به رفتن را افزایش دهد. بنابراین با ارتقای فضای آموزش، احترام به زحمات دانشجویان و فراهم ساختن بسترهای مناسب کاری می‌توان پرستاران آینده را با انگیزه در کشور نگه داشت.

اهمیت موضوع :

خروج نیروهای پرستاری از کشور، بیمارستان‌ها را با کمبود نیرو مواجه کرده و به کیفیت مراقبت از بیماران آسیب می‌زند. شناخت دلایل تمایل به مهاجرت از دوران دانشجویی به مسئولان کمک می‌کند پیش از خروج این سرمایه‌ها، تدابیر لازم را برای حفظ و ماندگاری آنان اتخاذ کنند.

مهمترین نتایج:

بیشتر دانشجویان خواستار محیط آموزشی آرام، امکانات بهتر و امیدواری به آینده شغلی هستند. بین حس رضایت از رشته پرستاری و فکر کردن به مهاجرت پیوند وجود دارد؛ به این معنا که با افزایش خشنودی از درس و حرفه، میل به مهاجرت کمتر می‌شود. همچنین تفاوت‌هایی در دیدگاه دانشجویان سال‌های مختلف دیده شد.

موارد کاربرد نتایج طرح :

برنامه‌ریزی دانشگاه‌ها برای رفع کمبودهای رفاهی و ارتقای شیوه‌های تدریس
تقویت مشاوره‌های شغلی و روحی برای دانشجویان پرستاری
کمک به سیاست‌گذاران در تصویب قوانین حمایتی و استخدامی برای نیروهای جوان
طراحی بسته‌های تشویقی جهت افزایش انگیزه خدمت در داخل کشور

تاثیرات و کاربردهای آن:

تاثیر 1: کمک به مدیران دانشگاهی برای ایجاد محیط آموزشی پرنشاط‌تر و شنیدن صدای دانشجویان به منظور جلوگیری از دل‌سردی تحصیلی
تاثیر 2: ارائه تصویر واقعی از نیازها و دغدغه‌های پرستاران آینده به وزارت بهداشت برای بازنگری در شرایط کاری و افزایش جذابیت ماندن در وطن.

محدودیت‌های شواهد چه بودند؟

این مطالعه تنها در بین دانشجویان پرستاری یک دانشگاه انجام شده و شرایط همه مناطق کشور را پوشش نمی‌دهد. علاوه بر این، تصمیم به مهاجرت تصمیمی چندبُعدی است که شرایط اقتصادی، خانوادگی و اجتماعی نیز در آن اثرگذارند و فقط به میزان رضایت از دانشگاه محدود نمی‌شود.

مخاطبان طرح پژوهشی:

گیرندگان خدمات سلامت (مردم، بیماران، رسانه‌ها): مردم و خانواده بیماران که حفظ پرستاران ماهر، تضمین‌کننده دریافت مراقبت بهتر و باکیفیت‌تر برای آن‌ها در مراکز درمانی است.
ارائه‌کنندگان خدمات سلامت (پزشکان، داروسازان، پرستاران، ماماها و...): استادان، کادر پرستاری و دانشجویانی که بهبود شرایط کاری و تحصیلی به نشاط روحی و هم‌افزایی حرفه‌ای آن‌ها کمک می‌کند.
مدیران و سیاستگذاران نظام سلامت (مدیران بیمارستان، دانشگاه، سازمان غذا و دارو، معاونت بهداشتی و...): رؤسای دانشگاه‌های علوم پزشکی، مدیران بیمارستان‌ها و معاونت‌های آموزشی و درمانی جهت بازنگری در نظام پرداختی، توزیع نیرو و برنامه‌ریزی آموزشی.

آیا این خبر می‌تواند از نظر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، ارزش‌های دینی و قوانین سازمان غذا و دارو، تبعاتی داشته باشد؟

خیر، این گزارش فاقد هرگونه تبعات منفی دارویی، درمانی یا فرهنگی است. انتشار آن با رویکرد حل مسئله و ارائه راهکار، می‌تواند به بهبود سلامت روانی دانشجویان و ارتقای نظام درمانی کشور کمک کند.

ایمیل ارتباطی و تلفن مجری اصلی طرح:

09914558335

maryam.sh.32367@gmail.com

منابع و مراجع:

- Laari CK, et al. (2024).** Migration intentions among nursing students in a low-middle-income country. *BMC Nursing*, 23(1), 492. <https://doi.org/10.1186/s12912-024-02161-z> پیوند مستقیم
- لینک پابمد: [/https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/39020387](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/39020387)
- Rahmatpour P, Peyrovi H, Sharif Nia H. (2021).** Academic satisfaction scale for nursing students: Development and psychometrics. *Nursing Open*, 8(3), 1145–1156. <https://doi.org/10.1002/nop2.726> پیوند مستقیم
- لینک پابمد: [/https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/33331688](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/33331688)